

# ارزیابی تهدیدات زیست‌محیطی در امنیت ملی ایران

\* کاظم جاجرمی

\*\* زهرا پیشگاهی فرد

\*\*\* حجت مهکویی

www.csr.ir

## چکیده

نگرانی‌های محیطی که عمدتاً بعد از دهه ۱۹۶۰ میلادی به صورت جدی در سیاست جهانی مطرح شد، باعث اظهارنظرهای گوناگونی شده است. تعدادی از محیط‌شناسان مانند رونالد اینگلهارد استدلال می‌کنند که این توجه و نگرانی وجه مشخصه نسلی است که در آمریکا و اروپای پس از جنگ سرد، دغدغه‌های آنها، اخطار دادن نسبت به خطرات گسترده و جهانی توسعه صنعتی مدرن می‌باشد. در دهه‌های اخیر تغییرات زیست‌محیطی مانند تغییرات آب و هوا، چالش‌های اساسی را برای امنیت انسانی در سراسر جهان ایجاد کرده است که فوری‌ترین تأثیر آن را می‌توان بحران کمپایی منابع زیستی نام برد. اگرچه این بحران عامل فوری در شکل‌گیری جنگ نیست، اما فشارهایی را پدید می‌آورد که موجب تشدید احساسات و برانگیختن برخوردهای قومی، اضطراب‌ها، آشوب‌ها و شورش‌ها می‌شود. تولید و مصرف انرژی، انتشار گازهای گلخانه‌ای، صنعتی و شهری شدن که در اواخر سده بیستم به پدیده‌های جهانی تبدیل شدند، به مشکلات جدی زیست‌محیطی مانند تحلیل رفتن منابع، دگرگونی آب و هوایی، آلودگی فراگیر و افزایش جمعیت منجر گردیده‌اند. جامعه‌های مصرفی این مشکلات زیست‌محیطی را از راه بهره‌برداری کلان از منابع طبیعی، فرایندهای آلوده‌کننده و زیرساخت‌های حمل‌ونقلی که ایجاد کرده‌اند، تشدید نموده‌اند. واکنش به بحران زیست‌محیطی در حال گسترش فراگیر بوده و اشکال گوناگونی پیدا کرده است. کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس همواره در معرض تهدیدات زیست‌محیطی قرار داشته است. نتایج نشان می‌دهند عواملی همچون تأمین انرژی و دستیابی به آن، آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها، خشکسالی، تغییرات آب و هوا و افزایش جمعیت و مهاجرت در ایجاد ناامنی و برهم زدن نظم عمومی و از همه مهم‌تر بر امنیت ملی ایران، تأثیرات قابل توجهی دارند.

## واژگان کلیدی

ارزیابی، تهدیدات زیست‌محیطی، امنیت ملی، ایران

Email: orienstud@noos.fr

\* دانشیار جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

\*\* دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Email: sorour133@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Email: hojat\_59\_m@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۷

تاریخ ارسال: ۹۲/۷/۱۴

فصلنامه راهبرد/سال بیست و دوم/شماره ۶۷/تابستان ۱۳۹۲/صص ۲۳۰-۱۹۳

## جستار گشایی

در دوره فرامدرن (حاضر) امنیت تحت تأثیر تغییرات گسترده در نظام بین‌الملل، توسعه ارتباطات، پیشرفت‌های تکنولوژیک و نزدیکی بی‌سابقه جوامع به یکدیگر قرار گرفته است (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵). رابطه بین امنیت و محیط زیست، یک رابطه دوسویه و مکمل هم می‌باشد. محیط زیست به عنوان عرصه و مکان زندگی، امکان رشد و بالندگی انسان را فراهم می‌کند. توجه به محیط، نیاز به برنامه‌ریزی و تلاش مدیران و مسئولان به همراه مردم را دارد. محیط طبیعی بستری است که بر آن زندگی و دستاوردهای انسانی شکل می‌گیرد. ما نمی‌توانیم جدای از محیط طبیعی وجود داشته باشیم. تا سده بیستم طبیعت بخش مسلط در روابط بین موجودات انسانی و طبیعت بود. از آغاز صنعتی شدن در میانه سده هجدهم در بریتانیا، بشر در حال بهره‌برداری شتابان از منابع طبیعی زغال سنگ، آب و مواد معدنی است. سیاست اجتماعی واکنشی به مشکلات اجتماعی حاصل از فشارهای دوگانه فرایندهای صنعتی و شهری شدن به شمار می‌رود. بخش زیادی از مشکلات اجتماعی مربوط به تخریب زیست‌محیطی ناشی از صنعتی شدن و

شهری شدن بوده است. رودخانه‌ها توسط پساب کارخانه‌ها آلوده شده و به تهدیدی بهداشتی تبدیل شدند. بعد از سال ۱۹۴۵، صنعتی شدن و شهری شدن به آرامی به واقعیت‌های جهانی تبدیل شدند و فشار بر محیط زیست اساساً افزایش یافت» (کهیل، ۱۳۸۷، صص ۳-۴).

فشارها بر محیط زیست زندگی انسان به ویژه بر شهرها، باعث شکل‌گیری سیاست‌ها و تفکرات حزبی شد که می‌توان برای مثال به حزب سبزها و حرکت‌های جدید حمایت از محیط زیست، مبتنی بر عقاید رادیکالی مانند بوم‌شناسی افراطی<sup>۱</sup>، اکوآنارشیسم<sup>۲</sup> و اکوفمینیسم اشاره کرد. اورپوردن در سال ۱۹۸۹ میلادی بیان می‌کند که چگونه جوامع، میان دو گروه از افراد تقسیم شده است. گروهی که طبیعت را ذاتاً قابل بهره‌برداری و ترمیم‌پذیر تلقی می‌کنند و گروه دیگری که می‌دانند توانایی انسان برای نابود کردن محیط خود بیش از توانایی او برای جبران خسارت است (مویر، ۱۳۷۹، ص ۴۵۷). «امروزه بخش قابل ملاحظه‌ای از روابط بین‌المللی حول محور حفظ محیط زیست صورت می‌گیرد. اگر بدانیم که استفاده روزافزون از منابع و فساد سیاره زمین،

1. Deep Ecology  
2. Ecoanarchism

پدیده‌هایی هستند که به ندرت در درون مرزهای بین‌المللی قرار می‌گیرند، آشکارا بدین نتیجه می‌رسیم که موضوعات زیست‌محیطی می‌توانند دقیقاً در ژئوپلیتیک مورد بحث واقع شوند. از موضوعات زیست‌محیطی جهان که در مقیاس جهانی آسیب‌های اکولوژیکی را نشان می‌دهند، می‌توان به: ۱. گرم شدن زمین (تأثیر گلخانه‌ای)، ۲. کاهش لایه اوزن زمین، ۳. کمبود آب شیرین، ۴. کمبود خاک مرغوب و بیابان‌زایی، ۵. آلودگی هوا، باران اسیدی، ۶. انهدام زباله‌های سمی، ۶. جنگل‌زدایی و صدمه به تنوع زیست، ۷. بازاریگران فراملی» (برادن و شلی، ۱۳۸۳، صص ۲۷۰-۲۳۴)، ۸. تولید و مصرف انرژی و سوخت‌های فسیلی، ۹. اقلیت‌ها و اقوام و ۱۰. افزایش جمعیت و مهاجرت اشاره کرد.

در دهه‌های اخیر تغییرات زیست‌محیطی مانند تغییرات آب‌وهوا، چالش‌های اساسی را برای امنیت انسانی در سراسر جهان ایجاد کرده است که مهم‌ترین تأثیر آن را می‌توان بحران کمیابی منابع زیستی نام برد، هر چند که این مسئله، عامل فوری در شکل‌گیری جنگ نیست، اما فشارهایی را پدید می‌آورد که موجب تشدید احساسات و برانگیختن برخوردهای قومی، اضطراب‌ها، آشوب‌ها و

شورش‌ها می‌شود. امروزه امنیت و داشتن ثبات برای مردم در همه زمینه‌ها، امری لازم و ضروری است. دولت‌های برخاسته از رأی مردم همواره به دنبال ایجاد امنیت برای شهروندان در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و در سطح جهان می‌باشند، و با برقراری پیوند و ارتباط با همدیگر در این راستا گام برمی‌دارند. «با این حال، توزیع بحران‌های زیست‌محیطی، تابعی از نگرش عمومی نسبت به محیط زیست، موقعیت جغرافیایی، سطح رفاه، جایگاه ارزیابی زیست‌محیطی در تدوین برنامه‌های توسعه‌محور، برخورداری از قوانین همسو با زمان، جدیت اعمال قانون و مانند آن است. کشور ایران نیز از پیامدهای یادشده به دور نمانده، بلکه جلودار تخریب محیط زیست است. شدت دامنه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران به حدی است که دیگر نمی‌توان بر آن سرپوش نهاد، به طوری که مقوله توسعه با تخریب محیط زیست همزاد شده است. برای مثال، ایران جزو ۱۰ کشور اول جهان در آلودگی هواست و در مسایلی همچون فرونشست زمین، نابودی تالاب‌ها و بیابان‌زایی، غالباً در شمار ۱۰ کشور اول دنیا است» (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹، صص ۳۵-۳۴). به علاوه «ایران کشور پهناوری است که تنها در ۱۱/۲ درصد خاک آن کشاورزی

می‌شود. ۷/۵ درصد زمین‌ها، پوشش جنگلی دارد. ۵۴/۶ درصد مرتع و ۱۹/۷ درصد بیابان است و ۷ درصد آب‌های داخلی و مناطق مسکونی و تأسیسات را در برمی‌گیرد» (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹).

این مقاله به دنبال بررسی و ارزیابی تهدیدات و عوامل زیست‌محیطی در امنیت ملی ایران است و در تلاش است تا به این سؤال که تهدیدات زیست‌محیطی چگونه در ایجاد تنش، واگرایی و چالش در امنیت ملی ایران تأثیرگذار است و تا چه اندازه می‌تواند امنیت پایدار ایران را با چالش مواجه سازد، پاسخ مناسب دهد. با توجه به این سؤال، فرضیه حاصل این است که عوامل زیست‌محیطی همواره در همگرایی ملی، امنیت پایدار و امنیت ملی تأثیرگذار هستند و تهدیدات و چالش‌های زیست‌محیطی انسانی، امنیت ملی ایران را بیشتر دچار چالش کرده و باعث بر هم خوردن نظم عمومی جامعه می‌گردند.

## ۱. بیان مسئله

کشورهای جهان در کل با چالش‌های محیط زیست روبه‌رو هستند و این مسئله از منطقه‌ای به منطقه دیگر و در کشورهای مختلف متفاوت است. تهدیدهایی برای کیفیت محیط زیست به وجود آمده است.

هشدار جهت تأثیر خطر به محیط زیست در اواخر دهه سوم قرن بیستم داده شده و هزار سال این خطر وجود داشته است. مطابق برنامه سازمان ملل متحد در امور آب و هوا گسترش همکاری بین‌المللی همکاری عمومی باید برای حفظ محیط زیست انجام شود. تقریباً موارد زیادی برای حفاظت محیط زیست در اواخر سال ۱۹۷۰ ارائه شده که تحت حمایت سازمان ملل بوده و موافقت‌نامه‌هایی هم به صورت منطقه‌ای به دست آمده است. کوشش در جهت شناخت مشکلات محیط زیست در چارچوب‌های قانونی مانند ابزارهای اقتصادی، تکنولوژی صدا در محیط زیست و پروسه تولید پاک‌کننده‌ها و برآوردهای زیادی در محیط زیست انجام شده است؛ تغییر در کیفیت محیط زیست یا زیباسازی محیط زندگی انسان انجام شده، اما این پتانسیل‌ها برای زندگی انسان کافی نیست. به عبارت دیگر مراحل پاک‌سازی از آلودگی باید از مناطقی چون پارک‌های تفریحی آغاز شود تا موفقیت در این مورد حاصل گردد و سلامتی و بهداشت عموم به خطر نیفتاده و گسترش در زمینه اقتصادی فراهم شود. کشورهای فقیرتر، محیط زیست را برای تغییر دادن کار آلوده‌تر کرده‌اند. سوزاندن درختان و جنگل‌ها و زوائد

## ۲. پیشینه موضوع

هر چند بیشترین مباحث مطرح در ارتباط با موضوعات زیست‌محیطی به دوران معاصر مربوط می‌شود، «اما به نظر می‌رسد نگرانی و آگاهی نسبت به پیامدهای زیست‌محیطی اعمال انسان، باید به قدمت تاریخ باشد. در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد، افلاطون هشدار داد که کشاورزان یونانی با اجازه دادن به دام‌های خود برای چرای بیش از حد تپه‌ها و نیز با نابود کردن جنگل‌ها، به استقبال بلا رفته‌اند. در دهه ۱۶۶۰ میلادی، جان اولین<sup>۳</sup> وقایع‌نگار سعی کرد تا با انتشار جزوه‌ای با عنوان فیومی فیوجیوم<sup>۴</sup> مردم را علیه آلودگی هوا بسیج کند. در این جزوه، وی از ابر جهنمی و غم‌انگیز زغال سنگ که دائماً بر روی سر مردم است، شکایت کرده بود. هرچند اعتراضاتی که دارای اشاراتی به محیط زیست بود، در انگلستان و پس از قرون وسطی مطرح شد، اما این اعتراضات بیشتر ناشی از پرسش‌های مربوط به حقوق مالکیت بود تا تخریب محیط زیست. در سال ۱۶۴۹ گروهی از تندروهای موسوم به حفاران<sup>۵</sup> یا مساوات‌طلبان واقعی<sup>۶</sup>، دست به کار حفر مرتع

کشاورزی از این نوع هستند که باید این فعالیت‌ها از طریق دیگری جبران شوند. از دست رفتن سریع منابع همراه با فقر و افزایش جمعیت وابسته به مصرف زیاد در کشورهای در حال توسعه می‌باشد و با وجود این، اخیراً کارآیی انرژی و ذخیره آن در بعضی از کشورها افزایش یافته است. بنابراین نمی‌توان چالش‌های محیط زیست را در اقتصاد مؤثر ندانست، البته این موضوع با چالش‌های سیاسی و اجتماعی نیز همراه شده است.

در ایران «روند تخریب محیط زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته و در بسیاری از موارد، این روند از دیگر کشورها جدی‌تر بوده است. بیشتر این آمارها محصول برآیند موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی سرزمین ایران، کم‌توجهی به نقش جستارهای پایداری محیط در طراحی و اجرای سازه‌ها و فضاها، ناآگاهی عمومی و کم‌توجهی سازمان‌های دولتی است. به نظر می‌رسد تداوم این وضعیت، دست کم در دو دهه آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی محیط‌محور پرهزینه و زمان‌بر، رویارو خواهد کرد که از پایداری و ثبات نیز برخوردار هستند» (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

3. John Evelyn

4. Fumifugium

5. The Diggers

6. True Levellers



والتون<sup>۷</sup> در نزدیکی رود تیمز شدند. قصد این گروه، تأسیس انجمن محلی بود که بتواند عصر طلایی برابری و عدالت را که به غلط تصور می‌شد قبل از اشغال نورمن‌ها- و در آن هنگام که کره زمین خزانه مشترک بشر بود- وجود داشت، احیا کند. در طول قرون هجدهم و نوزدهم، حصارکشی پارلمانی منجر به اعتراضات محلی متعددی علیه خصوصی‌سازی مراتع و چمنزارهای قدیمی شد» (مویر، ۱۳۷۹، صص ۴۴۶-۴۴۷).

«اگر قرار باشد تاریخی رسمی برای شکل‌گیری حفاظت از محیط زیست در ایران در نظر گرفته شود، بدون تردید باید تشکیل قانون شکار در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی (۱۹۵۶ میلادی) را به عنوان مبدأ این تاریخ به شمار آورد. در باب ضرورت تشکیل این قانون چنین استدلال شده است که در واقع تباهی و انهدامی که آدمیان چه از طریق شکار، قطع درختان یا چراندن رمه به بار آوردند، چنان شدید بود که در اواسط دهه ۱۳۳۰ شمسی گروهی از افراد ذی‌علاقه به طبیعت و حفاظت منابع طبیعی، برای حفاظت حیات وحش و محیط کشور به اقداماتی مبادرت کردند. اولین قانون حفاظت که در اسفند ۱۳۳۵ وضع شد و به موجب آن

قانون شکار به وجود آمد، برای هدف‌های مورد نظر کافی و وافی نبود. اما مقاصد و شیوه‌هایی که بر اساس این قانون مورد توجه و عمل بود، شالوده استوار و درستی داشت و مبنای قسمت اعظم کارهایی قرار گرفت که از آن پس برای حفاظت از منابع طبیعی کشور انجام گردید» (بهرام‌سلطانی، ۱۳۸۷، صص ۱۶-۱۷).

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱. ارزیابی زیست‌محیطی

ارزیابی عبارت از سنجش و داوری عملکرد برنامه‌ها و طرح‌ها با هدف‌ها و ضوابط و استانداردهای پیش‌بینی شده از قبل و شناخت و تحلیل اثرات اقتصادی و اجتماعی اجرای برنامه‌ها می‌باشد. ارزیابی محیط به صورت ساده به معنی دادن ارزش به یک واحد سرزمین است. ارزیابی محیط زیست برای انجام یک برآورد معقول از توان سرزمینی در رابطه با فعالیت‌های انسان و ماشین ساخت وی صورت می‌پذیرد (پورمحمدی و تقی‌پور، ۱۳۸۹، صص ۳-۶). «در اینجا باید میان دو مفهوم ارزیابی زیست‌محیطی<sup>۸</sup> و ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی تفکیک قایل شد. ارزیابی زیست‌محیطی می‌تواند در مورد هر پدیده

اجزای آن صحبت کنیم، واژه زیست کره شاید مناسب‌تر باشد. دانشمندان استفاده از این واژه را در قرن نوزدهم آغاز کردند و تلاش وی آی ورنادسکی<sup>۹</sup> توجه ویژه‌ای را در قرن حاضر به این دیدگاه معطوف نمود. بنا به اعتقاد ورنادسکی فاعلیت انسان‌ها در تغییر زیست کره، در واقع بیانگر نوعی نیروی تغییر زمین‌شناسی در روی زمین می‌باشد. پایین‌تر از سطح سیاره‌ای، زیست‌بوم‌ها به سیستم‌های وسیعی اطلاق می‌شوند که غالباً همان گونه‌های اصلی گیاهی بوده، اما شامل تأثیرات متقابل همه عوامل درونی هستند. علمی که به مطالعه این تأثیرات متقابل می‌پردازد، زیست‌شناسی نامیده می‌شود و تعریف یک اکوسیستم فعال می‌تواند استخراج نمونه‌ای از این تأثیرات متقابل در هر مقیاس باشد. در این میان دیدگاه نو کلاسیک غربی را می‌توان در ارتباط با محیط زیست مطرح کرد. ظاهراً این دیدگاه مایل است گفتمان بین‌المللی محیط زیست را هر چه بیشتر تحت سیطره خود قرار دهد. این دیدگاه عناصر زیر را در این رابطه بیان می‌کند: اول، نوعی دوگانگی بین انسان و طبیعت وجود دارد، از این رو می‌گوییم منابع طبیعی تا آنها را از منابع انسانی جدا سازیم. دوم، این گفتمان عموماً بر

موجودی صورت پذیرد. در بسیاری از کشورها، طبق قوانین رایج، حتی فضاهای طبیعی نیز نخست مورد ارزیابی زیست‌محیطی قرار گرفته و سپس بر حسب امتیازی که اخذ می‌نمایند، در یکی از طبقه‌بندی‌های اتحادیه جهانی حفاظت (دارای شش طبقه‌بندی) یا سازمان یونسکو (ذخیره‌گاه‌های بیوسفر، ژئوپارک‌ها، میراث جهانی) جای می‌گیرند. با وجود این ارزیابی زیست‌محیطی دارای کاربرد دیگری نیز هست، اینکه پدیده‌ای انسان ساخت را، بعد از اتمام عملیات ساخت ارزیابی کرده و اثرات آن را می‌سنجد تا شاید بتوان به نحوی آثار منفی به وجودآمده را تحت کنترل در آورد. هدف و روش ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی، با آنچه درباره ارزیابی زیست‌محیطی ذکر گردید، کاملاً متفاوت است. هدف ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی، پیش‌بینی آثار ناشی از اجرای یک طرح یا پروژه است و تقریباً مانند پیش‌بینی وضع آب‌وهوا، وظیفه پیش‌بینی اثرات و پیامدها را دارد» (بهرام‌سلطانی، ۱۳۸۷، صص ۳۱۸-۳۱۷).

اما محیط زیست دقیقاً چیست؟ اگر می‌خواهیم درباره محیط زیست زمین، با تمام ارگانیسم‌های زنده آن و روابط بین همه

پایه نظریه اقتصادی نو کلاسیک استوار است که عناصر گرفته‌شده از زمین را به کالایی قابل استفاده تبدیل کرده و موارد استفاده آنها را برای جامعه، رشد اقتصادی و مالکیت بیان می‌کند (برادن و شلی، ۱۳۸۳، صص ۱۳۵-۲۳۴).

### ۲-۳. امنیت ملی

در طول تاریخ، داشتن امنیت برای هر کشوری لازم و ضروری بوده است. «در گذشته امنیت ملی عمدتاً از نظر تهدید نظامی خارج از مرزها مورد توجه قرار می‌گرفت که مقابله با آن نیز سازوکار نظامی داشت. اما امروزه این مفهوم از حوزه تعاریف کلاسیک خود خارج شده و رابطه تنگاتنگی با توسعه یافته است» (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۰، ص ۷۰). «مفهوم امنیت آن‌گونه که مصطلح شده، تا حد زیادی محصول دوران جنگ سرد است. استفاده از امنیت ملی به عنوان یک مفهوم کلیدی اختراع اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی در ایالات متحده امریکا بود، اما نهادینه شدن آن (لایحه امنیت ملی، شورای امنیت ملی) در اوایل جنگ سرد اتفاق افتاد که در ابتدا به متحدین امریکا و سپس به نظام بین‌المللی تسری پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین دلایل ارتقای بی‌سابقه امنیت ملی، توجیه - و

هماهنگی - یک بسیج طولانی‌مدت و فرابخشی بود که در تعارض با سنت امریکایی تردید نسبت به پیامدهای سیاسی مداخله سیستماتیک سیاسی و داشتن نیروهای نظامی بی‌شمار قرار داشت» (بوزان و ویور، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳). «وجود اطمینان نسبت به سلامت جان و مال و ناموس را امنیت می‌گویند و امنیت امری استنباطی است که واقعیت یافتن آن در محیط، مستلزم اقدامات و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای است. این حکم فردی، در مورد ملت‌ها و کشورها نیز جاری است و به آسانی می‌توان آن را در ابعادی منطقه‌ای و جهانی مطرح کرد. امنیت برای یک کشور عبارت است از داشتن یا به دست آوردن اطمینان نسبت به سلامت موجودیت و مایملک، نسبت به اعتبار و موقعیت و نسبت به همه آنچه زیر چتر منافع ملی قرار می‌گیرد. در حالی که مفهوم امنیت ثابت است، محتوای جغرافیایی - سیاسی امنیت تابع شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند» (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴).

در معنای کلی، امنیت دارای مفهومی مشابه با مفهوم ایمنی است. تفاوت مختصری که بین این دو وجود دارد، میزان تأکید بیشتر بر محافظ بودن در برابر خطراتی است که از خارج حاصل می‌گردد. افراد و یا



مرتبطاند. بنابراین مسایلی مانند مهاجرت، بیماری‌های مهلک و آسیب‌های محیط زیستی به خودی خود تهدید مستقیمی بر ضد تمامیت سرزمینی یا حفظ رژیم کشورها نیست، اما زمانی که بر توانمندی‌های اقتصادی، منابع طبیعی و نیروی انسانی تأثیر می‌گذارند، تهدیدی علیه امنیت ملی کشورها محسوب می‌شوند؛ برای مثال حادثه نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل و آسیبی که به سلامت شهروندان و تحت‌الشعاع قرار دادن توانمندی اقتصادی کشورهای همسایه اوکراین وارد ساخت، باعث شد تا تهدیدی علیه امنیت ملی این کشورها تلقی شود. بنابراین امنیت زیست‌محیطی ناظر بر حفظ و نگهداری محیط محلی، منطقه‌ای و جهانی از هرگونه آسیب است. این امنیت در دنیای کنونی به عنوان نظام پشتیبانی‌کننده یکپارچه و همبسته عمل می‌کند و حیات بشری به گونه‌ای انکارناپذیر بدان متکی است.

### ۳-۳. مفهوم تهدید

فرهنگ لغت، واژه تهدید را (ترساندن عمدی کسی از تنبیه، آزار، یا امری ناخوشایند) تعریف می‌کند. تهدید عملی است که فردی برای تنبیه یا آزار فرد دیگر به منظور اطاعت‌پذیری او انجام می‌دهد. در رابطه با کشورها و دولت‌ها، تهدید در برابر

فعالیت‌هایی که بر شرایط حفاظت تأثیر می‌گذارند، مسئول بر هم زدن امنیت می‌باشند. در سال‌های اخیر، علاقه روزافزونی به مفهوم امنیت زیست‌محیطی به وجود آمده که به نظر می‌رسد در امریکا، در دهه ۱۹۷۰ و در پاسخ به اولین بحران نفتی بروز کرد. جنگ زیست‌محیطی که به وسیله آرتور وستینگ<sup>۱۰</sup> مطرح شد، توجه به تحت نفوذ قرار دادن محیط زیست برای اهداف نظامی متخاصم را بیان می‌کند (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۶، صص ۲۵۵-۶۴). به طور کلی امنیت ملی متأثر از عوامل مختلفی است که خاستگاه آنها سه حوزه جغرافیا، سیاست و قدرت می‌باشند. اما عوامل تولیدکننده و یا به عکس تهدیدکننده امنیت عمدتاً عبارت‌اند از: موقعیت و مشخصات ژئوپلیتیکی و جغرافیایی کشور، وضع جمعیتی کشور، قدرت اقتصادی، استقلال یا وابستگی کشور به خارج از مرزها، روحیه نیروهای ارتش، سطح علمی و نبوغ دانشمندان، ویژگی‌های رهبران سیاسی، تکنولوژی، سیاست جهانی در خصوص مدیریت و خلع سلاح و... (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، صص ۲۳۸-۲۳۷) لاجرم مسایل امنیت انسانی و تهدیدهای آن پیوسته و به هم

10. Arthur Westing

مفهوم امنیت ملی قرار می‌گیرد و از آن به تجاوز به حق حاکمیت دولت‌ها در امور داخلی و خارجی آنها تعبیر می‌شود. تهدید در برابر امنیت قرار می‌گیرد. در واقع تهدید، امنیت را به چالش می‌کشد و آن را نفی می‌کند. لاجرم، امنیت تابع نوع، میزان و شدت تهدید و تهدید تحت تأثیر عوامل و شرایط مختلفی قرار دارد، از جمله:

• ارزیابی قابلیت‌ها و توانایی واکنش تهدیدشده در برابر تهدیدکننده؛

• احساس برتری و توانایی به چالش کشیدن حریف؛

• موقعیت ژئوپلیتیکی تهدیدشده در سیستم منطقه‌ای و جهانی و کیفیت شبکه ارتباط او با سایر عناصر سیستم؛

• موقعیت جغرافیایی تهدیدشده و انعکاس فضایی بازتاب‌های تهدید.

با توجه به مفهوم تهدید و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و بازتاب‌های اجرایی تهدید، پر واضح است که تهدید یک مقوله ژئوپلیتیکی است که نتیجه تعامل عناصر بنیادین جغرافیا، سیاست و قدرت می‌باشد. تهدید به لحاظ ماهیت، روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده دارای انواع و ابعاد مختلفی است:

- تهدید سیاسی: با استفاده از قدرت سیاسی و روش‌ها و ابزارهای آن انجام

می‌شود و معمولاً هویت ملی و سیاسی، حکومت و نظامی سیاسی و ارزش‌های ایدئولوژیک به‌عنوان زیربنای هویت سیاسی مورد تعرض و چالش قرار می‌گیرد. کاهش یا قطع روابط سیاسی، اعمال فشار به دوستان تهدید شده، توسعه شکاف‌های قومی، ملی و سیاسی و ...؛

- تهدید نظامی: این نوع تهدید رایج‌ترین، مؤثرترین و در عین حال آخرین مرحله اجرای تهدید است که با استفاده از نیروی نظامی و ابزارهای مربوطه انجام می‌شود.

- تهدید اقتصادی: با استفاده از روش‌ها و ابزارهای اقتصادی صورت می‌پذیرد. این نوع تهدید به‌عنوان جایگزین تهدید نظامی و ماقبل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند تحریم اقتصادی، تخریب سرچشمه و منابع تولید، کاهش منابع ارزی و ...؛

- تهدید اجتماعی: نظیر ناامنی اجتماعی، درگیری‌های قومی و طایفه‌ای، توسعه شکاف‌های اجتماعی و ملی، تخریب وحدت ملی، توسعه تبعیض و شکاف طبقاتی، توسعه فقر و نابرابری و ...؛

- تهدید فرهنگی: به‌عنوان سرچشمه و منبع هویت و وجود ملی و فلسفه ملت که

#### ۴-۱-۱. تهدیدات زیست‌محیطی در بعد طبیعی

##### الف) امنیت انرژی (تولید و مصرف انرژی‌های نفت، گاز)

انرژی در زندگی بشر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. ادامه زندگی بدون انرژی بسیار مشکل است. صنعت، کشاورزی، خدمات، گرمایش و سرمایش، تولید غذا، محیط خانوادگی، حمل‌ونقل، نظامی‌گری، فعالیت‌های پزشکی و درمانی، پژوهش‌های علمی و غیر از آن همگی به انرژی وابسته هستند. به لحاظ ارتباط تنگاتنگ انرژی با زندگی روزمره مردم و جوامع و نیز حیات کشورها و دولت‌هاست که دولت‌های متقاضی و دولت‌های تولیدکننده را دائماً نگران کرده و از همین روست که انرژی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا نموده و الگوهایی از رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، همگرایی و واگرایی را در عرصه بین‌المللی و روابط بین کشورها و دولت‌ها شکل داده است. اهمیت انرژی بدان حد است که دولت‌های مصرف‌کننده، مکان‌های تولید انرژی، و دولت‌های تولیدکننده، مکان‌های مصرف انرژی و هر دو، مسیرهای انتقال و تکنولوژی‌های مربوط به انرژی را جزو اهداف ملی و امنیت ملی خود محسوب می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵،

تهدید آن تهدید بنیاد فلسفی ملت و کشور را دنبال می‌کند.

- تهدید زیست‌محیطی: سلامت اکوسیستم زیستی و جغرافیایی را هدف قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، صص ۳۳۵-۳۳۳).

#### ۴. یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱. عوامل زیست‌محیطی تهدیدکننده امنیت ملی ایران

موضوعات و عوامل زیست‌محیطی را که امنیت انسان و به خصوص امنیت ملی را با تهدید و چالش مواجه می‌کنند، می‌توان در دو بعد طبیعی و انسانی قرار داد. در واقع منظور از این دو بعد (طبیعی و انسانی)، نقش غالب هر کدام از این ابعاد می‌باشد. از تهدیدات زیست‌محیطی طبیعی می‌توان به کمبود و یا چالش در تولید و مصرف انرژی (نفت، گاز، زغال سنگ و مواد هسته‌ای)، گرم شدن زمین (تأثیر گلخانه‌ای)، کمبود آب شیرین، کمبود خاک مرغوب، بیابان‌زایی و جنگل‌زایی، تغییرات و آلودگی آب‌وهوا و از عوامل تهدیدکننده زیست‌محیطی در ابعاد انسانی می‌توان جدایی طلبی اقوام و اقلیت‌ها، اختلافات مذهبی و افزایش جمعیت و مهاجرت را نام برد.

صص ۱۰۲). به گزارش مرکز استراتژیک بین‌المللی، عقیده بر این است که سیستم انرژی توسط این مشخصه‌ها امن خواهد شد: ۱. ترکیبی متنوع از منابع مختلف بین انرژی و سوخت، با قابلیت این گزینه‌ها در صورت لزوم؛ ۲. تنوع عرضه‌کنندگان انرژی، بدون اتکای بیش از حد در واردات، با توجه به کشورهای کنترل‌کننده آن؛ ۳. مسیرهای متفرقه عرضه وارداتی، اجتناب از اتکای بیش از حد در یک واحد تولید ملی؛ ۴. مدیریت خوب و قابل اعتماد در زیرساخت‌های فیزیکی؛ ۵. قیمت پایدار و مقرون به صرفه انرژی؛ ۶. طرح‌های با ارزش عملی و تجاری قابل دوام برای بهبود و توسعه فناوری در آینده. (Wicks,2009,p.17)

امروزه محیط زیست انسان بدون دسترسی به انرژی قابلیت استفاده مطلوبی نخواهد داشت. انرژی نقش و جایگاه بالایی در تولید ناخالص ملی و داخلی برای کشورها پیدا کرده است. هر چند که سوخت‌های قسیمی عاملی در تخریب محیط زیست قلمداد می‌شوند، اما زندگی بشر امروز، بدون آن مختل و دچار چالش خواهد شد؛ مگر اینکه بتوان سوخت‌های جایگزین مانند استفاده از انرژی باد و خورشید را جایگزین آن کرد. مهم‌تر اینکه، مداخله دولت‌ها در زمینه تولید و تأمین انرژی باید فعال‌تر شود.

علاوه بر این، بسیاری از کشورها با استفاده‌های سیاسی و نفوذ برای به دست آوردن و دسترسی به منابع انرژی، تلاش می‌کنند. البته تمرکز تولید در برخی کشورها نیز باعث خطراتی می‌شود. بحران مؤثر بر تولید در بخش خاصی از جهان و یا تولید قابل توجه برخی کشورها که در حال حاضر جایگزین برای تولید، در آنها کمتر قابل توجه است، بیشترین تأثیر جهانی را در بر دارد. در حال حاضر افزایش سهم منابع انرژی جهان از طریق گره‌های استراتژیک و بحرانی حمل‌ونقل، مانند تنگه هرمز، تنگه مالاکا و کانال سوئز تأمین خواهد شد (Wiks,2009,p.7). کولین اس.گری، نویسنده کتاب ژئوپلیتیک عصر هسته‌ای، امنیت را با ژئوپلیتیک برابر می‌بیند و با اشاره به اهمیت تنگه هرمز در رابطه با تأمین نفت می‌گوید: جغرافیا انرژی است، انرژی اقتصاد است، اقتصاد امنیت است و امنیت ژئوپلیتیک» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵).

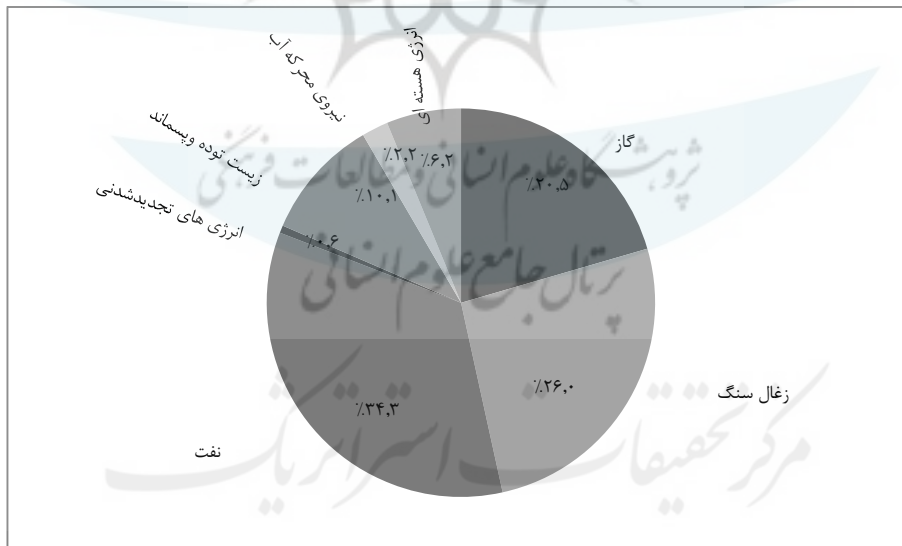
ژئوپلیتیک → امنیت → جغرافیا  
اقتصاد → انرژی → جغرافیا

شکل‌های ۱، ۲ و ۳ ترکیب آینده انرژی در سطح جهان، بر اساس سناریوی مرجع و عناصری از سناریوی سیاست ۴۵۰ را نشان می‌دهند.

هم‌اکنون بیش از ۷۵ درصد از تولید ناخالص ملی ایران از تولید و فروش نفت و گاز به دست می‌آید، بنابراین انرژی در اقتصاد ایران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. این نقش به همراه چگونگی توزیع جغرافیایی انرژی می‌تواند عامل ایجاد ناامنی باشد. «اکثر معادن نفتی در حال استخراج ایران در بخش‌های نفت خیز جنوب و جنوب غرب واقع گردیده‌اند. معادن گازی نیز به تبعیت از معادن نفت به استثنای منابع گازی بخش‌های شمالی خراسان در این بخش‌ها قرار گرفته‌اند. قرار گرفتن معادن نفت و گاز در بخش‌های جنوب و جنوب غرب ایران گرچه به دلیل نزدیکی به دریا، دارای سهولت

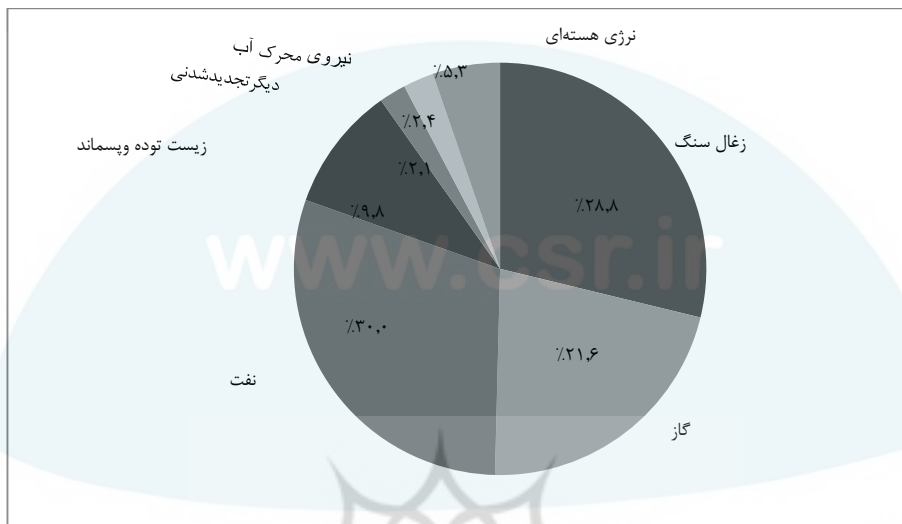
دسترسی ترانزیتی می‌باشند، اما به دلیل نزدیکی به آب‌های بین‌المللی و حضور نیروهای فرا منطقه‌ای در آب‌های خلیج فارس و در نزدیکی به این منابع، آسیب‌پذیر می‌باشند که در هر نوع سازمان‌دهی سیاسی فضا می‌بایست محل این منابع مورد توجه قرار گیرند» (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۷۰). به علاوه این تمرکز انرژی در بخش‌های جنوبی کشور با هرگونه تغییرات و تحولات ناشی از نوع حکومت و استقلال‌طلبی گروهی و قومی، می‌تواند عامل ایجاد چالش و ناامنی در ابعاد ملی باشد.

شکل شماره (۱). ترکیب سوخت جهانی در سال ۲۰۰۶



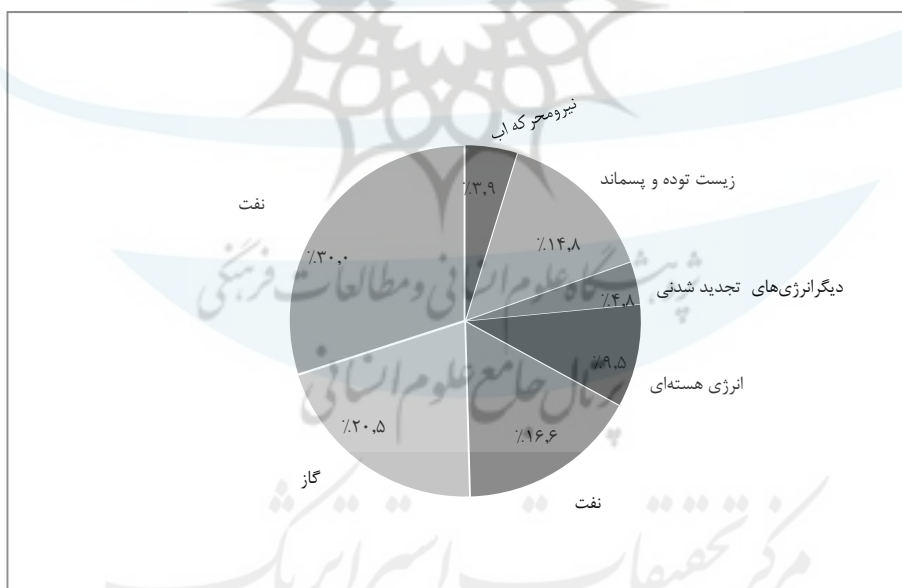


شکل شماره (۲). آینده ترکیب سوخت جهانی در سال ۲۰۳۰- سناریوی مرجع



(IEA World Energy Outlook,2008)

شکل شماره (۳). آینده ترکیب سوخت جهانی در سال ۲۰۳۰- سناریوی سیاست ۴۵۰



(IEA World Energy Outlook,2008)

## ب) گرم شدن زمین (تأثیر گلخانه‌ای)

«با توجه به آلودگی موجود، به دلیل گازهای گلخانه‌ای (دی‌اکسید کربن، متان و منواکسید نیتروژن) دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند که تا سال ۲۱۰۰، متوسط درجه حرارت زمین از ۱/۴۴ درجه به ۶/۳ درجه فارنهایت یا ۳/۵ - ۸ درجه سانتیگراد افزایش یابد» (برادن و شلی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۳). با بالا رفتن درجه حرارت در حدود ۲ درجه سانتیگراد، گازهای گلخانه‌ای معادل ۴۵۰ ppm (درصد به میلیون) از CO<sub>2</sub> در جو افزایش پیدا می‌کند. البته موافقت‌نامه بین‌المللی، اقدامات لازم را برای بازگرداندن ثبات جهانی در مورد جلوگیری از انتشار گازهای گلخانه‌ای در سطح زمین که می‌تواند برای انسان خطرناک باشد و تغییراتی نیز در آب و هوا ایجاد کند، انجام داده است. فرض بر آن است که با مشارکت سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دیگر اقتصادهای بزرگ جهان از جمله چین، روسیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی، عربستان سعودی، ایران و اندونزی و سیستم‌های تجاری در موافقت‌نامه بخشی - تعهدات موافقت‌نامه‌های بین‌المللی کشورهای مشارکت‌کننده در اتخاذ اهداف مشترک و یا به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش

خاص - مشارکت داشته باشند. به علاوه در سیاست‌های ملی، اقداماتی را برای کاهش فرایند گازهای خروجی انجام دهند (Wicks, 2009, p.26). در مقیاس جهانی، کشور آمریکا یکی از بزرگ‌ترین آلوده‌کننده‌ها در جهان است که پیمان کیوتو را رد کرده است، این پیمان در مورد انتشار گازهای آلوده‌کننده و گلخانه‌ای است و اثرات این گازها که جهان را در معرض خطر قرار می‌دهد، محکوم کرده است. آمریکا خودش هم در این مسیر خطرناک قرار دارد، چون یکی از نیروهای آلوده‌کننده است و به عنوان تنها ابرقدرت کنونی در دنیا، این کشور به تصورات خود توجه کرده و بی‌توجه به پیامدهایی برای دیگران است (Taylor, 2001, p.5).

## پ) کمبود آب شیرین و خشکسالی

آب را مایه حیات نامیده‌اند و بدون آن زندگی انسان زایل می‌گردد. در این رابطه می‌توان بیان کرد که آب شیرین به منزله منبع نادر نقش مهمی در ژئوپلیتیک جهان دارد. آب در بعضی از کشورها به حد کافی وجود ندارد و در این کشورها سعی می‌شود از حداقل آب موجود حداکثر بهره‌برداری را بکنند که به طور قطع مقداری از آن به مصرف واقعی نمی‌رسد. به این دلیل کره زمین را سیاره آبی نامیده‌اند که ۷۱ درصد از سطح آن پوشیده از آب دریاها و اقیانوس‌هاست.

آبی که تا این حد در روی کره زمین گسترش یافته، شور و غیر قابل شرب است و آب شیرین و قابل شرب فقط ۲/۶ درصد آن را تشکیل می‌دهد که در واقع نادر و کمیاب است. نیمی از آب شیرین موجود در روی کره زمین به صورت یخچال‌های طبیعی در قطب شمال، قطب جنوب و کوه‌های مرتفع قرار گرفته که دسترسی به آن آسان نیست (شوتار، ۱۳۸۶، صص ۵۹-۵۸). امروزه مصرف آب نسبت به اوایل قرن بیستم ۱۷ برابر شده است (مختاری‌هشی و قادری حاجت، ۱۳۸۷، ص ۳۷) که به دلیل رشد جمعیت، تحولات تکنولوژیکی، رشد و افزایش شهرنشینی، بالا رفتن سطح کیفی و کمی زندگی و ... می‌باشد. اگرچه ذخایر آب سطح زمین از مدت‌ها قبل به عنوان یک منبع قابل احیا محسوب شده است، این ذخایر در سطح جهانی مورد تهدید قرار گرفته‌اند. بیش از ۴۰ درصد از کشورهای دنیا، به دلیل رشد جمعیت، توسعه آبیاری کشاورزی، سدسازی، آلودگی آب و استفاده از آب در صنایع با کم‌آبی روبه‌رو هستند. نیاز به آب هر ساله ۲/۳ درصد افزایش می‌یابد. بانک جهانی با تشخیص این بحران، ۶۰۰ میلیارد دلار برای افزایش ذخایر آب شیرین تا قبل از سال ۲۰۰۶ هزینه کرده است (برادن و شلی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶). «امروزه مشکل کمبود آب، کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای خشک را به اتخاذ تصمیمات

مختلفی در زمینه تأمین آب واداشته است. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به استفاده از آب‌های فسیلی، شیرین کردن آب‌های شور، تغییر الگوهای تولید و مصرف و ... اشاره کرد» (عبدی و مختاری‌هشی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵).

از آنجا که طی دهه‌های اخیر به جهت تغییرات اقلیمی و رشد فعالیت‌های توسعه‌ای بشر، اکوسیستم‌های آبی - اعم از رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها - در سراسر جهان رو به افول گذاشته‌اند؛ ضرورت تعیین حقایق زیست‌محیطی، در سیاست‌ها و دستورکارهای ملی و بین‌المللی مدیریت منابع آب اهمیت دو چندانی یافته و لزوم استفاده از این ابزار حقوقی نیز در قوانین کشورها بیش از پیش به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر به منظور حفظ و تضمین حقایق زیست‌محیطی و یا حداقل میزان آب مورد نیاز برای بقای اکوسیستم، سیاست زیست‌محیطی توانمندی مورد نیاز است. این سیاست جامع می‌بایست مورد حمایت ابزار قانونی مناسب و مکفی که بتواند به روشنی مبین وضعیت قانونی آب و حقایق باشد، قرار گرفته و همچنین چارچوبی را برای ارزیابی گزینه‌های مختلف حقایق تعبیه نماید (ببران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵).

براساس پیش‌بینی سازمان ملل، ایران از جمله کشورهایی خواهد بود که در سال ۲۰۲۵ با

درصد آن در بخش کشاورزی، ۱/۵ درصد در بخش صنعت و ۶ درصد در شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد (روحانی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸).

باید توجه کرد که بخش عظیمی از اقتصاد ملی ایران وابسته به بخش کشاورزی است و کمبود آب و خشکسالی می‌تواند عامل چالش‌برانگیزی در امنیت ملی و اقتصادی ایران باشد. در واقع سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ۱۱/۴ درصد است و ۲۵ درصد اشتغال، ۲۳ درصد صادرات کالاهای غیر نفتی، ۸۰ درصد خوراک کشور و ۹۰ درصد نیاز مواد اولیه صنایع را تأمین می‌کند. این در حالی است که ۸۲ میلیارد متر مکعب از آب‌های زیرزمینی و روی زمینی ایران مورد بهره‌برداری کشاورزی قرار می‌گیرد. به هر حال به دلیل نبود سازه‌های درست، جابه‌جایی آب، بهره‌دهی آبی کشور را تا ۳۰ درصد کاهش داده است (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰).

#### نگاره شماره (۱). منابع آبی تجدیدشونده ایران

نوع منابع آبی	حجم (میلیارد متر مکعب)
بارش	۴۱۲
تبخیر و تعرق	۲۸۲
منابع آب تجدیدشونده	۱۳۰
تغذیه منابع آب‌های زیرزمینی از بارندگی و جریان‌های سطحی	۳۸
آب‌های سطحی در دسترس	۹۲

(روحانی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸)

کمبود مزمن آب روبه‌رو خواهد شد. (شستلند و شنه، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴). آمار و اطلاعات درازمدت ۳۰ ساله (نگاره شماره ۱) شبکه سنجش منابع آب کشور نشان می‌دهد متوسط ریزش‌های جوی به میزان متوسط ۲۵۰ میلی‌متر در پهنه جغرافیایی ایران می‌باشد که حدود ۳۰ درصد آن به صورت برف و بقیه به صورت باران، ریزش می‌نمایند. با توجه به وسعت کشور، میانگین سالانه ریزش‌های جوی ۴۱۲ میلیارد متر مکعب می‌باشد که از این مقدار حدود ۲۰۵ میلیارد متر مکعب به صورت نفوذ و رطوبت خاک، ۱۱۵ میلیارد متر مکعب به صورت تبخیر (پس از بارش) از دسترس خارج می‌شود و به میزان ۹۲ میلیارد متر مکعب به صورت روان آب سطحی جاری می‌شود. از ۴۱۲ میلیارد متر مکعب ریزش‌های جوی حدود ۲۶ میلیارد متر مکعب به طور مستقیم صرف تغذیه آبخوان‌های زیرزمینی می‌گردد. علاوه بر این حدود ۱۲ میلیارد متر مکعب دیگر نیز از جریان‌های زیرسطحی وارد آبخوان‌های زیرزمینی می‌شود که با احتساب این رقم، میزان کل آب تجدیدشونده سالانه خود ۱۳۰ میلیارد متر مکعب (۳/۵ درصد ریزش‌های جوی) می‌باشد. همچنین ۲/۹ میلیون متر مکعب آب از طریق شیرین‌سازی آب دریا به دست می‌آید. لازم به ذکر است کل آب مورد استفاده در ایران ۹۷/۸ میلیارد متر مکعب در سال می‌باشد که ۹۲/۵

مدیریت منابع آب کشور در آینده با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد بود که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. محدودیت تأمین آب و مصرف آن؛ ۲.
- عدم توازن بین تأمین و مصرف آب؛ ۳.
- افزایش آلودگی منابع آب؛ ۴. عدم آمادگی برای مقابله با بحران‌های طبیعی و اجتماعی مانند تغییر اقلیم، خشکسالی، سیلاب، تخریب شبکه آبرسانی در اثر زلزله و ...؛ ۵.
- عدم وجود سیاست‌های شفاف برای بهره‌برداری از آب‌های مرزی مشترک؛ ۶. عدم وجود الگوی مصرف مناسب و عدم افزایش بهره‌وری آب کشاورزی؛ ۷. خطر از دست رفتن حفظ تعادل اکوسیستم‌های آبی کشور و جنبه‌های زیست‌محیطی در طرح‌های توسعه و بهره‌برداری از منابع آب (روحانی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰).

#### ت) تأثیرات کمبود خاک مرغوب و

##### بیابان‌زایی

با توجه به اینکه استقرار هر فعالیتی در فضا مبتنی بر توانمندی‌های محیطی و تعامل آن با سایر فعالیت‌ها در پهنه جغرافیایی سرزمین صورت می‌گیرد، ظرفیت‌سازی برای توسعه فعالیت‌ها به صورت هماهنگ با بخش‌های مختلف در قالب ساماندهی فضا می‌تواند الگوهای اسکان آینده جمعیت و مدیریت فضا را تحت

تأثیر قرار دهد. این هماهنگی در تمامی بخش‌ها برای اسکان جمعیت یک سرزمین تحت تأثیر محیط‌های گوناگون در پهنه یک کشور قرار دارد، اعم از مساحت بیابان‌ها، جنگل‌ها و ... چه بسا یک شهر که در کنار یک جنگل قرار دارد و مردم آن از طریق جنگلداری امرار معاش می‌کنند، جنگل به طور مناسبی محافظت نشود و توسعه این‌گونه شهرها که وابستگی به نوع محیط اطراف خود دارند، تحت تأثیر این عدم حفاظت و نگهداری یا استفاده ناصحیح قرار گیرد، ایجاد نگرانی‌ها و آسیب‌پذیری جمعیت را به دنبال دارد.

سرعت رشد و شتاب گسترش فرسایش خاک در ایران ۶ برابر استاندارد جهانی است که سالانه معادل یک میلیون هکتار تخریب زمین‌های کشاورزی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند بیشتر خاک‌های کشور از نظر مواد نیتروژنی فقیر و دچار کمبود فسفر هستند. نتیجه اولیه فرسایش خاک در قالب افزایش رسوب‌گذاری در مخازن سدهای مناطق سیل‌خیز است، به طوری که سالانه یک درصد از حجم مخازن رسوب‌گذاری در مخازن سدهای کشورهای به دلیل فرسایش خاک کاسته می‌شود. کل مجموع مخازن سدهای ایران تا سال ۱۳۸۴ شمسی در حدود ۲۷ میلیارد متر مکعب بوده که به طور



کشاورزان از معاش خود محروم شده‌اند (براون، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱). در ایران تعداد روستاهایی که به علت گسترش بیابان‌ها یا فقدان آب رها شده‌اند، به هزاران روستا می‌رسد. در حومه شهر دماوند که یک ساعت با تهران فاصله دارد، ۸۸ روستا تخلیه شده است (براون، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). طبق نظر «کارشناسان اکولوژی طبیعی ایران، سالانه یک میلیون هکتار به وسعت بیابان‌های کشور افزوده می‌شود. میزان تخریب سطح جنگل‌ها و مراتع کشور را به میزان ۳۶۰ متر مربع در ثانیه برآورد می‌کنند. مقدار فرسایش آبی سالانه بیشتر از ۲ میلیارد تن و میانگین آن ۳۳ تن خاک در هکتار است. میزان رسوبات ورودی به سه سد مهم کشور (کارون، دز و سفیدرود) بیش از ۵۰ میلیون متر مکعب در سال است. این در کشوری اتفاق می‌افتد که ۵۲ درصد آن کمتر از ۲۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارد و ۷۰ درصد وسعت آن فاقد رودخانه دائمی است. این در حالی است که در کشوری مانند امریکا سالانه ۱۷ تن در هکتار فرسایش خاک وجود دارد» (مخدوم، ۱۳۸۷، ص ۶۸۴).

### ث) آلودگی هوا

یکی از عوامل مرگ‌ومیر در دنیا آلودگی هوا و آب می‌باشد. «آلودگی هوا چهارمین عامل مرگ و میر در دنیاست. پنج آلاینده

میانگین سالانه ۵۵۰ میلیون متر مکعب مخزن در کشور تولید شده است. از این حجم، سالانه ۲۰۰ میلیون متر مکعب در اثر رسوب‌گذاری نابود می‌شود؛ یا به دیگر سخن سالانه ۳۶ درصد از حجم مخازن نوساز کشور در اثر رسوب‌گذاری از دست می‌رود. پیامدهای این میزان فرسایش خاک، افزون بر ۲۳۶ میلیون متر مکعب رسوب‌گذاری در مخازن پشت سدها و به میزان حدود دو برابر رسوب‌گذاری در شبکه‌های آبیاری و زهکشی مدرن و سنتی و خارج از دسترس شدن هزاران هکتار زمین کشاورزی است» (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹، صص ۴۸-۴۷).

در ارتباط با تأثیر بیابان‌ها بر محیط شهری در کشور ایران می‌توان گفت که محیط‌های شهری مطلوبی در برخی از نقاط کشور به وجود نیامده و از آنجایی که کارکرد اراضی کشاورزی تأثیر عمده‌ای بر اقتصاد شهرهای ایران دارند، ولی همواره محیط طبیعی ایران دستخوش فرسایش قرار دارند. رییس وقت سازمان مقابله با بیابان‌زایی، آقای محمد جاریان در سال ۲۰۰۲ میلادی گزارش کرد که طوفان شن، ۱۲۴ روستا را در استان جنوب شرقی سیستان و بلوچستان مدفون کرده و موجب تخریب کامل آنها شده است. در این منطقه شن روان چراگاه‌ها را پوشاند و دام‌ها گرسنه ماندند و

مونواکسیدکربن، اکسیدهای ازت، دی‌اکسید گوگرد، ازن و ذرات معلق، نقش بیشتری در آلودگی هوا دارند» (کاویانی‌راد، ۱۳۸۷، ص ۴۷). به علاوه «باران اسیدی یکی از اشکال آلودگی هوا با نتایج ژئوپلیتیکی بوده است. دی‌اکسید گوگرد و اکسید نیتروژن حاصل از سوخت فسیلی با بخار هوا ترکیب شده و اسید سولفوریک یا اسید نیتریک تولید می‌کنند. سپس ابری از این دو اسید بر فراز سرزمین‌ها به حرکت در می‌آیند. زمانی که این نوع بارش اسیدی صورت می‌گیرد، جنگل‌ها و ذخایر آبی به ویژه آسیب می‌بینند. اروپا، شرق امریکای شمالی و چین شرقی، چالش‌هایی را در ارتباط با باران‌های اسیدی تجربه کرده‌اند» (برادن و شلی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲). از پیامدهای آلودگی هوا می‌توان به کاهش میانگین ضریب هوشی کودکان، افزایش درصد سقط جنین، کاهش طول عمر، خستگی زودرس، فراگیری بیماری‌هایی مانند افسردگی، انواع ناراحتی‌های تنفسی (مانند سرطان ریه)، عوارض قلبی اشاره کرد (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۸/۴/۱).

در ایران آلودگی آب و هوا باعث بروز و ایجاد ناگواری‌ها و چالش‌هایی گردیده است. از جمله شهرهایی که با آلودگی هوا به طور آشکار و بارزی مواجه شده، کلان‌شهر تهران است. این

کلان‌شهر با ورود روزانه بیش از ۵۰۰ هزار خودرو به سطح شهر، سکون نسبی هوا، محصور بودن از سه جهت توسط رشته کوه‌های البرز، انباشت منابع تولید آلودگی در درون و پیرامون آن، فعالیت عمده صنایع کشور (برای نمونه وجود ۱۴/۳ درصد صنایع کشور، وجود ۵۰/۶ درصد کارخانه‌های بزرگ استان، وجود ۵۱ درصد کارگاه‌های استخراج مواد معدنی استان در شهر تهران) و نبود باد غالب، تهران را در ردیف آلوده‌ترین شهرهای جهان قرار داده که ۷۵ درصد تا ۸۵ درصد آلودگی آن مربوط به گاز منو اکسید کربن است. آلودگی هوای این کلان‌شهر در سال ۱۳۸۸ شمسی ۳۸ برابر استانداردهای جهانی اعلام شد و کیفیت هوای تنفسی این شهر، طی یک سال در شرایط ناسالم قرار دارد (کاویانی‌راد، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

#### ۴-۱-۲. تهدیدات زیست‌محیطی در

##### بعد انسانی

##### الف) اقوام و اقلیت‌ها

واژه قوم به نسبت واژه‌هایی چون جمعیت که چه به صورت مفرد و چه به صورت بسیار عمومی و مبهم هستند و نسبت به واژه‌هایی چون عوام، قبیله یا هُرد که به روشنی جنبه توهین‌آمیز دارند، برتری دارد. بنابراین واژه قوم به صورت هر چه گسترده‌تری درباره گروه‌های انسانی خاصی

می‌شوند: اقلیت‌های منسجم و دارای سرزمین و فضای جغرافیایی دیرینه که می‌توان از آن به اقلیت‌های اکولوژیکی تعبیر نمود و اقلیت‌های بدون سرزمین و غیر منسجم و پراکنده در میان اکثریت، که می‌توان از آن به اقلیت‌های اجتماعی تعبیر نمود. اقلیت‌ها در اشکال مختلف، قلمروهای مختلف و اندازه‌های مختلف وجود دارند. ویژگی مشترک اقلیت‌ها در همه انواع آن میل درونی و احساس علاقه نسبت به ارزش‌ها و صفات اختصاصی خود می‌باشد. اگر اقلیت از وزن ژئوپلیتیکی قابل توجهی نسبت به اکثریت پیرامونی برخوردار باشد، دچار نوعی احساس خوداتکایی، جدایی و استقلال سیاسی می‌شود و مطالبات خود را از اکثریت نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر، و نهایتاً استقلال سیاسی را مطرح می‌کند (حافظنیا، ۱۳۸۵، صص ۹۳-۹۲).

به کار می‌رود که به دلایلی چون ابهام در حدود آنها، فقدان نهادهای سرزمینی، عدم توسعه، خرد و کوچک بودن و بالاخره غرابت آنها، این امکان را ایجاد کرده است که اصولاً وجودشان زیر سؤال برود که می‌تواند به صورت گروه اکثریت و یا اقلیت در یک جامعه نمایان باشند. در حقیقت اقلیت در برگزیده آن دسته از گروه‌های انسانی است که سوای استثنائاتی چند، در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی قرار دارند. واقعیت در اقلیت بودن بالمآل مستلزم آن است که گروه از نظر حقوقی و جامعه‌شناختی در وضعیتی از کهنتری و ضغارت قرار گیرد و این به نوبه خود واقعیتی کمی و اختلافی و متأثر از شرایطی از وابستگی و یا احساس وابستگی است (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۶، صص ۵۷۹-۵۴).

به طور کلی می‌توان گفت که از منظر سرزمین و زیستگاه، اقلیت‌ها به دو گروه تقسیم

### نگاره شماره (۲). گستره تعارضات قومی در جهان

منطقه	تعداد گروه‌ها	تمایز سیاسی	تمایز اقتصادی	تمایز فرهنگی	درخواست خودمختاری	تظاهرات	آشوب
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۸۶	۶۴	۵۷	۵۷	۲۳	۱۷
آسیا	۳۱	۴۳	۷۷	۶۴	۷۸	۱۷	۳۵
بلوک شوروی سابق	۲۶	۴۴	۳۸	۵۴	۶۳	۱۵	۱۲
امریکای لاتین	۱۲	۶۷	۹۲	۷۵	۶۷	۸	۱۹
دموکراسی‌های غربی	۸	۳۷	۶۲	۵۰	۳۷	۲۵	-
آفریقا	۱۴	۴۳	۷۱	۲۹	۵۷	۳۳	۲۳

(قاسمی، ۱۳۸۹، صص ۷۷)

با توجه به نگاره شماره (۲)، مناطق مختلف در دنیا دارای تعارضات قومی هستند و اقوام و اقلیت‌ها در نقاط مختلف دنیا همواره ایجاد چالش و ناامنی می‌کنند. «تهدید قومی تابعی از تعداد اقوام و خواسته‌های متفاوت مورد نظر آنان در ارتباط با حکومت مرکزی است. در ایران، انگیزه‌ها، اهداف، اراده و خواست اقوام تشکیل‌دهنده کشور طی روندی طولانی مدت و یا از طریق ایفای نقش تاریخی قابل تشخیص است. عوامل ناحیه‌گرایی اقوام در ایران را با توجه به متغیرهای دخیل می‌توان در نگاره شماره (۳) مشاهده کرد. در ترکیب ملت ایران پس از فارس‌ها، آذری‌ها در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و ادامه آنها در استان‌های زنجان، قزوین و همدان گسترش یافته است. آذری‌ها در طول تاریخ در تداوم حکومت در ایران نقش بنیادی داشته‌اند و در قرن ۱۶ میلادی هسته تکوین ایران جدید بوده‌اند. در مرزهای غربی ایران اقوام کرد ساکن هستند. این اقوام نیز بخشی از هویت ایرانی می‌باشد که در خصیصه زبانی- مذهبی از دیگر بخش‌های ایران مستقل می‌باشند.

در شمال و شمال شرقی ایران در استان گلستان و بخشی از استان خراسان شمالی قوم ترکمن ساکن هستند. قلمرو فضایی این قوم از شرق دریای مازندران آغاز و به سمت

آسیای مرکزی گسترش می‌یابد. ترکمن‌های ایران در سه خصیصه زبان، نژاد و مذهب از بخش مرکزی ایران متمایزند و با کشور ترکمنستان در این سه خصیصه مشترک می‌باشند (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷، صص ۶۰-۵۷). در جنوب و جنوب شرق ایران که از مناطق محروم کشور می‌باشد، جبر جغرافیایی نیز به این عدم توسعه کمک کرده و محیط طبیعی غیرمساعدی را به وجود آورده است. قوم بلوچ در این منطقه ساکن می‌باشند. دوری از مرکز کشور، عوامل جغرافیایی، عدم دستیابی به مشاغل بالای حکومتی و عوامل تقویت‌کننده مرکز‌گرایی باعث شده است تا این قوم خود را در سرنوشت ملی کشور کمتر شریک بدانند و در تحولات بزرگ اجتماعی ایران نقش قابل توجهی به عهده نگیرند. در جنوب غرب ایران در سده‌های اخیر به دلیل کشف نفت و موقعیت سوق‌الجیشی، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. در این بخش از ایران قوم عرب سکونت دارند.

#### ب) افزایش جمعیت و مهاجرت

امروزه افزایش جمعیت همراه با پدیده شهرنشینی همراه است. این شهرنشینی قابل توجه است، زیرا اکثر انرژی در شهرها و یا نزدیک به شهرستان‌ها مصرف می‌شود. امروزه

کشور می‌گذرد، ملموس و عینی است. در بیشتر مواقع به دلیل تفاوت‌های توسعه‌یافتگی که میان کشورهای شمال و جنوب وجود دارد، افراد مهاجر وارد شده به کشورهای غربی پیشرفته، دچار تنزل در سطوح و جایگاه انسانی می‌شوند. در حقیقت مهاجرت، موجب بروز پرسش‌های مهمی درباره شهروندی می‌شود.

رشد جمعیت همراه با رشد اقتصادی علاوه بر کاهش کیفیت منابع، سبب فراتر رفتن آلاینده‌ها از ظرفیت تحمل محیط طبیعی شده‌اند. در اوایل سال ۱۹۹۰ تلاش‌هایی برای گسترش نظام حساب‌های ملی به منظور احتساب آفت کیفیت محیطی و نابرابری درآمدی انجام و منجر به ارائه مفهوم جدید «تولید ملی سبز» شد. با لحاظ استهلاک منابع طبیعی و احتساب محیط زیست (یا سبز کردن حساب‌های ملی)، می‌توان به جای تولید ناخالص ملی، معیار تولید ناخالص ملی سبز را به دست آورد. اگر چه غالباً آزادسازی تجاری به عنوان عامل مثبت و مؤثر در رشد اقتصادی و افزایش رفاه مطرح می‌شود، اما طی چند دهه اخیر در برخی از کشورها، تجارت رو به رشد بدون در نظر گرفتن ملاک‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی و صرفاً به منظور دسترسی به

دو سوم انرژی تولیدی جهان در شهرها مصرف می‌شود، در حالی که تنها نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند. در چین، هند و خاورمیانه، سرانه مصرف انرژی در شهر بسیار بیشتر و بالاتر از جوامع روستایی آنهاست، در حالی که مصرف انرژی در اقتصادهای توسعه‌یافته، اغلب تا حدی در مناطق روستایی بالاتر است. دلیل این است که اقتصادهای توسعه‌یافته در اوایل مراحل توسعه اقتصادی، با شهرنشینی همراه بوده‌اند. از امتیازات بسیار بالاتر در پیش‌بینی رشد اقتصادی در اقتصادهای در حال ظهور بیش از رسیدن به دوره ۲۰۳۰ میلادی (بیش از ۶ درصد به قرار هر سال به نسبت ۲ درصد برای اقتصادهای توسعه‌یافته)، درآمد بالا و رانندگی در مناطق شهری است. با رشد اقتصادی و درآمد بیشتر، تقاضا برای خدمات انرژی و تجملات نسبی مانند خودرو بالاتر می‌رود (Malcolm, 2009, p.35). با افزایش جمعیت و تحولات اقتصادی درون کشورها، مهاجرت‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی شروع گردیده است. مهاجرت باعث ایجاد مشکلات داخلی و خارجی برای کشورها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌گردد. تأثیراتی که مهاجرت بر مرزها، ترکیب جمعیتی، اقتصاد، فرهنگ و سیاست یک



بازار محصولات سایر کشورها تحت فناوری‌های غیر دوستانه با محیط زیست، به استفاده گسترده و ناصحیح از منابع و انرژی منجر شده و آلودگی‌های فراوانی از جمله انتشار گازهای گلخانه‌ای در پی داشته است. بررسی اثر اندازه باز بودن اقتصاد بر تخریب زیست‌محیطی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۳ نشان می‌دهد رابطه مثبت بین درجه باز بودن اقتصاد و تخریب زیست‌محیطی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، همچنین رابطه مثبت بین انتشار دی‌اکسیدکربن و تخریب زیست‌محیطی وجود دارد (عاقلی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷). بر اساس سرشماری‌های انجام‌گرفته، جمعیت ایران از ۳۴ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۷۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در حال حاضر دولت باید سالانه ۶۰ میلیارد دلار از درآمد پرنوسان و بی‌ثبات نفت را صرف بودجه جاری نماید تا بتواند امور جاری کشور را اداره کند. ابعاد دیگری که افزایش جمعیت به دنبال دارد، تقاضا برای آموزش رایگان، مسکن، خدمات بهداشتی و درمانی، یارانه مواد غذایی، اشتغال و سایر موارد که هر کدام به تنهایی تبعات اقتصادی خود را دارد. در طی سه دهه (۱۳۸۷-۱۳۵۷) حدود ۷۲۰ میلیارد دلار نفت از سوی دولت ایران در بازارهای جهانی فروخته شده است؛ به تعبیری اگر این میزان درآمد نفتی ۳۰ سال گذشته در یکی از بازارهای مالی دنیا (لندن یا نیویورک) سرمایه‌گذاری شده بود، هم‌اکنون کشور دارای ۲ تریلیون دلار دارایی و درآمد سالانه آن، معادل ۲۰۰ میلیارد دلار بود. از این رو هدف از بیان این ارقام، شناسایی معضلات ساختاری است که مانع جذب این ثروت ملی شده است (روحانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵). با توجه به آمار مربوط به کاهش زاد و ولد، کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که در ۲۰ تا ۲۵ سال آینده با ساختار سالخورده در کشور مواجه خواهیم بود و این تدبیر مخصوص به خود را می‌طلبد که از امروز باید به فکر آن بود. به همین دلیل در برنامه‌ریزی‌ها برای دستیابی به اهداف بلندمدت، یکی از مسایل مورد بحث، رشد جمعیت است. رشد متناسب جمعیت می‌تواند آینده متناسب و مطلوب را برای ما ترسیم کند (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

توزیع و پراکندگی جغرافیایی جمعیت ایران با توجه به اینکه ترکیبی از دو الگوی توزیع و پراکندگی هسته‌ای- نقطه ناهماهنگ در سطح کشور را نشان می‌دهد، اما نمی‌تواند به نحو احسن در تأمین امنیت و توسعه همه‌جانبه کشور عمل کند. از نظر همگونی یا

دهد؛ یعنی تجمع خرده‌فرهنگ‌های مختلف در مرکز کشور باعث ادغام و نزدیکی هر چه بیشتر گروه‌های مختلف ایرانی باشد (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۱۶۰-۱۵۹).

بر اساس ارزیابی‌های جمعیت‌شناختی در صورتی که سن امید به زندگی در ایران ۷۵ سال و میزان رشد جمعیت ۱/۵ درصد در سال در نظر گرفته شود، جمعیت کشور در سال پایانی چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، ۱۰۷ میلیون نفر خواهد بود که از این تعداد ۱۴/۷ درصد از جمعیت یعنی بیش از ۱۵ میلیون پانصد هزار نفر را سالمندان تشکیل خواهند داد، یعنی جمعیت سالمند کشور در مدت زمان ۲۰ سال (۱۴۰۵-۱۳۸۵) نزدیک به سه برابر خواهد شد. بر اساس منابع علمی جمعیت‌شناختی، زمانی که ۸ درصد جمعیت را افراد ۶۵ سال و بالاتر یا ۱۲ درصد جمعیت را افراد ۶۰ ساله و بالاتر تشکیل دهند، پدیده سالمندی شکل می‌گیرد (قیصریان، ۱۳۸۸، صص ۳). در مورد کیفیت اشتغال و سطح سواد در کشور علی‌رغم اینکه جمعیت ایران در این زمینه به میانگین جهانی آن از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است، در حالت کلی رضایت‌بخش نیست. جمعیت ایران به لحاظ سطح سواد در میان ۱۳ کشور همسایه خود تنها نسبت به ۶ کشور همسایه خود وضعیت

ناهمگونی، جمعیت ایران با توجه به ساختار متمرکز سیاسی-اداری-فرهنگی-اقتصادی کشور، بیشتر به جای اینکه به عنوان عاملی در جهت غنای فرهنگی ایران عمل کند، در واقع با توجه به دنباله فضایی آن در ماورای مرزهای ملی و وجود فرصت‌ها و شرایط مساعد برای جذب اکثر گروه‌های قومی ایرانی به سوی فضای بیرونی، بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت ملی کشور به حساب می‌آید. بنابراین در جهت تضعیف وزن ژئوپلیتیکی کشور عمل می‌کند. در این بین حتی رشد مهاجرت بین استانی در داخل کشور که کاملاً از حالت مرکز - پیرامون برخوردار است، نمی‌تواند نویدبخش آینده خوبی برای توسعه و امنیت کشور باشد؛ چرا که تداوم این روند باعث تجمع خرده‌فرهنگ‌ها و سلاقی مختلف ایرانی در مرکز کشور شده است. در چنین شرایطی هم احتمال بروز اختلاف میان فرهنگ‌های مختلف دور از نظر نیست. همچنین وجود خرده‌فرهنگ‌های مختلف ایرانی در کنار هم در مرکز کشور، عاملی خواهد بود در جهت بیداری و خیزش یکباره هویت‌های محلی که در جامعه ایرانی به دلیل ساختار متمرکز سیاسی-اداری-فرهنگی - اقتصادی کشور تا به حال اجازه رشد نداشته است. البته عکس این عمل نیز می‌تواند روی

بهتری دارد. در این بین همچنان که دیده می‌شود، ساختمان جمعیت ایران نیز تا چند دهه آینده از حالت متعادلی برخوردار نخواهد بود. نمودار مربوط به ساختمان جمعیت ایران، کاهش جمعیت فعال کشور را در آینده نوید می‌دهد. به طور کلی به غیر از شاخص‌های تعداد جمعیت ایران، حس تعلق مکانی و به تبع آن ناسیونالیسم ایرانی و تا حدودی ارزش‌های فرهنگی مورد قبول مردم در جامعه ایرانی، دیگر ابعاد مانند پراکندگی و توزیع جغرافیایی جمعیت، همگونی یا ناهمگونی آن، ساختمان جمعیت، کیفیت اشتغال، سطح سواد و عامل مهاجرت به خصوص در سطح داخلی نمی‌توانند در رابطه با وزن ژئوپلیتیکی ایران نقش مثبت و ارزنده‌ای داشته باشند. در فلسفه سیاسی ایران، نه تنها مردم نقش محوری در حفظ و بقای کشور دارند، بلکه به مثابه یک مقوله واحد و منسجم نیز نگاه می‌شوند (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۱۶۰-۱۳۷).

#### پ) تنوع مذهبی

همه جوامع شناخته‌شده بشری، از گونه‌ای دین برخوردار بوده و هستند. دین در بردارنده بنیادی‌ترین ارزش‌ها و هنجارهاست و از این رو، اعمال و کنش‌های آدمیان همواره تحت تأثیر دین و تعالیم دینی قرار داشته است. آموزه‌های

دینی چنان تأثیر و نفوذ عمیق و گسترده‌ای دارند که تأثیر آنها حتی در جوامع لائیک و دین‌گریز نیز انکارناپذیر است. دین به افراد انگیزه می‌دهد، اهداف آنها را مشخص می‌سازد، و دستورالعمل‌هایی برای نحوه انجام کنش‌هایشان صادر می‌کند. کینگ درباره اهمیت دین در زندگی انسان می‌گوید: بشر در طول تاریخ و در سراسر عالم، دینی بوده است. هیچ فرد و اجتماعی را نمی‌توان یافت که حیاتی فاقد تجربه دینی و تاریخی بودن الهه را سپری کرده باشد. تخمین زده می‌شود که تقریباً حدود ۹۰ درصد از جمعیت جهان طرفدار یک سری عقاید یا ایده‌هایی هستند که می‌توان آنها را با تسامح دین نامید. با توجه به این واقعیت که بسیاری از ما مدعی داشتن عقاید مذهبی هستیم، می‌توان فرض نمود که دین در شکل‌های متنوع خود قادر به برقراری ارتباط اجتماعی می‌باشد. نقش اساسی دین و مذهب در پیدایش، دگرگونی و بالندگی فرهنگ و تمدن بشری نیز امری انکارناپذیر است (احمدی، ۱۳۸۹، صص ۳۹-۴۰). مذهب به

معنای احساسات و رویدادهایی که برای انسان در عالم تنهایی و در اجتماع روی می‌دهد، در گذشته، یکی از عوامل مؤثر در تفکیک مرزهای جغرافیایی بود. در قرن بیستم نیز کم و بیش نقش آفرینی عوامل مذهبی در تصمیم‌گیری‌های

سیاسی و پدیده‌های ناشی از آن تداوم داشته است. در حال حاضر هم ثبات سیاسی برخی از کشورها تا حد زیادی در ارتباط با توزیع فضایی مذهب و نیز زبان است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت در دو دهه گذشته مذهب به عرصه ژئوپلیتیک بازگشته است.

### نگاره شماره (۳). درصد عوامل مذهبی در تعارضات قومی در جهان

منطقه	تعداد گروه‌ها	درصد مذهب به عنوان یک موضوع	تمایز مذهبی	تقاضای حقوق مذهبی	مذهب به عنوان گفتمان سیاسی
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۷۱	۶۴	۵۰	۸۷
بلوک شوروی سابق	۳۱	۵۲	۲۷	۴	۴۶
آمریکای لاتین	۱۲	۸۱۲	۲۵	۲۵	۳۷
دموکراسی‌های غربی	۸		۲۵	۲۵	۳۷
آفریقا	۱۴	۲۸	۸	۸	۲۱

(قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۷۶)

ایران یکی از کشورهای با تنوع مذهبی در خاورمیانه است که همراه با تنوع زبانی و قومی آن را به کشوری با تفاوت‌های مذهبی، زبانی و قومی مبدل کرده است. ایران کشوری مسلمان است که بیش از ۹۹ درصد جمعیت آن به دین اسلام ملتزم می‌باشند. از این میزان بیش از ۹۰ درصد جمعیت کشور دارای مذهب شیعه است. در حقیقت «از نظر جغرافیایی بیشتر شیعیان در منطقه خاورمیانه و در کشورهای حاشیه خلیج فارس زندگی می‌کنند. در این منطقه، کشوری که هم از نظر کل جمعیت و هم از نظر درصد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده، ایران است. بر اساس بیشتر آمارها، ۹۰ درصد از جمعیت ایران را شیعیان تشکیل می‌دهند که این تعداد بیش از ۴۰ درصد کل جمعیت

شیعه جهان است» (احمدی، ۱۳۸۹، صص ۲۸-۲۷). به علاوه مذهب شیعه یکی از عوامل بنیادین ملت‌سازی در ایران بوده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۲۰). از لحاظ پراکنش جغرافیایی، پیروان مذاهب گوناگون در ایران، دارای توزیع جغرافیایی متفاوتی هستند؛ به گونه‌ای که در مناطق و چهار گوشه ایران، اقوام با مذاهب متفاوتی ساکن می‌باشند. در شمال غرب ایران قوم آذری زبان با مذهب شیعه، در جنوب غرب ایران قوم عرب با مذهب شیعه، در شمال و شمال شرق قوم ترکمن با مذهب تسنن، در جنوب شرقی و در جنوب قوم بلوچ با مذهب تسنن، و در بخش‌های مرکزی و شمالی اقوام فارس، لر و گیلکی و مازنی با مذهب شیعه ساکن می‌باشند. «ساختار فضایی- جغرافیایی ملت

ایران، از دو بخش به هم پیوسته مرکزی و پیرامونی پدید آمده است. در بخش مرکزی، مردم این بخش از حیث خصلت‌های قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی و فضایی، منسجم و همسان هستند و در پیکره ملت، بدنه اصلی و عمده به شمار می‌روند و از نظر عوامل گفته شده دارای همگونی و تراکم یکدستی می‌باشند. در بخش پیرامونی که در دشت‌ها و نواحی مرتفع حاشیه جغرافیای ایران سکونت

دارند، بر خلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی، دچار گسیختگی است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را در بر می‌گیرد. مردمان بخش پیرامونی کشور در برخی از متغیرها و به طور مشخص در زبان و لهجه، قومیت، مذهب و خرده‌فرهنگ محلی با بخش مرکزی و با یکدیگر تفاوت دارند» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، صص ۱۴۹-۱۴۸).

#### نگاره شماره (۴). وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی مختلف ایران

میزان فعالیت گسست	عامل فعالیت	وضعیت اقتصادی	مذهب	آرایش جمعیتی	همسایگان	حوزه سکونت	جمعیت به میلیون نفر	گروه قومی
کم	زبان	نسبتاً خوب	شیعه	پراکنده	ترکیه- آذربایجان	اردبیل- آذربایجان غربی و شرقی [زنجان- قزوین - همدان]	۲۵	ترک
متوسط	زبان و دین	متوسط به پایین	سنی و شیعه	نیمه متمرکز	عراق و ترکیه	کردستان - شمال خراسان - کرمانشاه- همدان - آذربایجان غربی	۴-۵	کرد
کم	زبان و نژاد	متوسط	شیعه	متمرکز	عراق	خوزستان	۱	عرب
متوسط	دین و اقتصاد	خیلی پایین	سنی	متمرکز	پاکستان و افغانستان	سیستان و بلوچستان	۲	بلوچ
خیلی کم	زبان و مذهب	متوسط	سنی	متمرکز	ترکمنستان	گلستان	۱	ترکمن

(محمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۵۸)

اهمیت سیاست جهانی مطرح شد، باعث ابراز اظهار نظرهای گوناگونی گردیده است. البته تخریب محیط زیست توسط بشر و تهدیدات

#### ۵. تجزیه و تحلیل

نگرانی‌های محیطی که عمدتاً بعد از دهه ۱۹۶۰ به صورت یک قسمت حائز

ناشی از آن برای چرخه حیات بر روی سطح زمین نه مربوط به دیروز و امروز و نه منحصر به شهر و کشور ماست، بلکه یک مشکل فزاینده جهانی است که نگرانی طرفداران حفظ محیط زیست و کاربران رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی را برانگیخته است (میرحیدر، ۱۳۸۴، ص ۲۰). اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت حفاظت از محیط زیست را یک وظیفه عمومی بیان داشته، اما علی‌رغم این تصریح قانونی، وضعیت محیط زیست در ایران به شدت نگران کننده است؛ به طوری که بنا بر گزارش شاخص عملکردی محیط زیست در سال ۲۰۰۶، رتبه ایران از میان ۱۳۳ کشور جهان با عدد شاخص ۷۰ در مقام ۵۳ قرار گرفته است. در دوره ارزیابی بعدی در سال ۲۰۰۸، رتبه عملکرد محیط زیست ایران با ۱۵ پله نزول به ۶۸ می‌رسد و در آخرین رده‌بندی در سال ۲۰۱۰ نیز محیط زیست ایران با ۱۰ پله نزول دوباره و امتیاز اندک ۶۰ به رتبه ۷۸ تنزل یافته است. انتشار این آمارهای رسمی این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که بازیگران عرصه محیط زیست ایران اعم از توده‌های مردم، جامعه دانشگاهی، بنگاه‌های اقتصادی و در رأس همه دولت در زمینه حفاظت از محیط زیست و

جلوگیری از گسترش تخریب و آلودگی آن ناموفق بوده‌اند. با اندکی کاوش می‌توان دریافت که یکی از مهم‌ترین مشکلات و موانع موجود در عرصه حفاظت از محیط زیست در ایران، نبود آگاهی و اطلاعات در میان تمامی لایه‌های اجتماع است. بدین منظور در قوانین مختلف برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت موظف به تقویت و توانمندسازی سازوکارهای لازم جهت گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی در زمینه محیط زیست شده است (رمضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳).

مشارکت و آگاهی اثر متقابل بر هم دارند و با هم مفهوم اصلی دموکراسی زیست‌محیطی را می‌سازند. همچنین مشارکت تمامی گروه‌های ذینفع در تصمیمات بین‌المللی کارآمدی این تصمیمات را نیز ارتقا می‌دهد و با توجه به ساختار غیرمتمرکز حقوق بین‌الملل، مشروعیت قواعد بین‌المللی نزد گروه‌های گوناگونی که تحت تأثیر این تصمیمات قرار می‌گیرند، برای اجرای کارآمد آنها حیاتی است. از جمله راه‌های مشارکت سازمان‌های غیردولتی در عرصه تصمیم‌گیری بین‌المللی می‌تواند شامل: برگزاری نشست‌های عمومی در شهرهای بزرگ دنیا برای کسب نظر شهروندان،



استفاده از ظرفیت‌های اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (IUCN) و ایجاد مجموعه‌ای از فرایندهای مشورتی منطقه‌ای یا میزگردهایی باشد که نمایندگان سازمان‌های غیردولتی، شهروندان و دیگر بازیگران شرکت‌کننده در مباحثات و اولویت دادن به امکان‌های متنوع در آنها شرکت دارند (بلیک و جم، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵).

از جمله تهدیدات و چالش‌های زیست‌محیطی که امنیت ملی ایران با آن مواجه می‌باشد، ناامنی انرژی است که در تولید و انتقال و مصرف آن برای کشور وجود دارد. در حال حاضر اقتصاد ایران به انرژی وابستگی زیاد پیدا کرده است و در آینده، حداقل تا سال ۲۰۳۰ این وابستگی وجود خواهد داشت. آنچه که در مقایسه شکل‌های ۱، ۲، ۳ قابل توجه است، سلف انرژی از سلطه مداوم سوخت‌های فسیلی در ترکیب انرژی و ثبات نسبی در سهام نفت و گاز است که در هر دو سناریو (مرجع و سیاست ۴۵۰) کاملاً متفاوت می‌باشد. اقتصاد ایران به عنوان یک کشور تک‌محصولی که از دیگر پتانسیل‌های کشور استفاده نمی‌شود، به طور بارزی به تولید و فروش نفت و گاز وابستگی دارد و هرگونه کاهش و چالش در قیمت انرژی و نحوه تولید آن می‌تواند باعث بروز چالش و

ناامنی در کشور شود. نوسانات قیمتی که در این سال‌ها در انرژی ایجاد شده است، نحوه تعامل با کشورهای همسایه در فروش نفت و گاز، اقدامات دولت‌های رقیب و غربی در ایجاد تنش با کشورهای طرف قرارداد با ایران، همگی می‌توانند در زمینه ناامنی انرژی برای ایران ایجاد چالش و دردسر کنند. «وزیر نفت ایران در آذر ۱۳۸۷ اعلام کرد: تنزل قیمت هر بشکه نفت به زیر ۱۰۰ دلار، مخاطره‌آمیز است که اقتصاد ایران از چنین کاهشی به شدت آسیب خواهد دید» (لشکری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹).

در حقیقت، یکی از مهم‌ترین تهدیدات فراروی اقتصاد ایران که امنیت ملی را به مخاطره خواهد انداخت، روند فزاینده کنونی مصرف انرژی و ادامه این وضعیت در سال‌های آتی است. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که در صورت ادامه روند گذشته و حال، شدت انرژی از ۹/۶ بشکه نفت خام برای هزار دلار GDP به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰، در سال ۱۳۸۶ معادل ۱۰/۹ بشکه نفت خام برای هزار دلار GDP در افق سال ۱۴۰۴ خواهد رسید. امری که نیازمند رسیدگی جدی است، برنامه‌ریزی برای کاهش این روند اجتناب‌ناپذیر است. در غیر این صورت ممکن است کشور در آینده با صدمات

شدیدی روبه‌رو شود (روحانی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵). بنابراین امنیت ملی ایران همواره با نفت رابطه مستقیم داشته و همیشه بخشی از دیدگاه صاحب‌نظران را در نگاه به ایران، مسئله نفت و منابع نفتی ایران تشکیل می‌داده است. نفت بیش از ۸۰ درصد درآمد ارزی کشور را تأمین می‌کند و ارتباط اقتصاد ایران با دنیا عمدتاً از طریق این صنعت صورت می‌گیرد. از این رو، با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از نفت، امنیت ملی از متغیرهایی در خارج از مرزها نیز تأثیر می‌پذیرد. رابطه مستقیمی میان امنیت ملی ایران و قیمت‌های جهانی نفت وجود دارد. هر چه بحران در قیمت جهانی نفت افزایش یابد، حساسیت امنیتی کشور نیز افزایش می‌یابد. لذا اقتصاد تک‌محصولی ایران یکی از چالش‌های امنیتی محسوب می‌شود که در کنار اینکه منجر به کندی رشد و توسعه اقتصادی شده است، با رقیب قرار دادن دیگر کشورها و در نتیجه واگرایی نسبت به کشورهای دیگر منطقه، ناامنی را برای ایران بازتولید می‌کند (روحانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵). کارشناسان تخمین می‌زنند که فرایند متداول و متعارف تولید نفت در برخی از کشورها می‌تواند به تولید فعلی گازهای گلخانه‌ای تا سه بار انتشار

کمک کند. اگر چه تأثیر دقیق در اندازه انتشار آن به حمل‌ونقل از منبع تولید تا مقصد که شامل مصرف‌کننده می‌شود، بستگی دارد. حمل و نقل نفت در منطقه خلیج فارس، آلودگی‌هایی را پدید آورده است. حدود ۱/۲ میلیون بشکه نفت در سال به آب‌های خلیج فارس وارد می‌شود، که پیامد آن تخریب محیط زیست و کم شدن غذا از اکوسیستم دریایی در طولانی‌مدت است.

چالش زیست‌محیطی دیگر در بعد طبیعی، خشکسالی و کمبود منابع آب شیرین و قابل شرب برای مردم ایران است که همواره توجهات بین‌المللی را به خود جلب کرده است و دولت‌ها در تکاپو و برنامه‌ریزی برای درست مصرف کردن و دستیابی بیشتر به منابع و ذخایر آب زیرزمینی هستند. ایران از جمله کشورهایی است که با تهدیدات منابع آب و خشکسالی مواجه است. کمبود آب شیرین و کاهش آب‌های زیر زمینی در ایران با تذکرات مسئولان هم‌اکنون به گوش مردم می‌رسد. گستره جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که دارای مناطق پرباران و کم باران است. در قسمت‌های شمالی کشور بیشترین باران و در مناطق مرکزی و جنوب و جنوب شرق کمترین مقدار باران را دارد. «بررسی

پهنه‌بندی بارش در ایران نشان می‌دهد که استان‌های شمالی ایران یعنی گیلان و مازندران بالاترین ریزش‌های جوی را در طول سال دارند. این مناطق بیشتر از ۵۰۰ میلیمتر بارش در سال جذب می‌نمایند. از این رو با پدیده خشکسالی مواجه نمی‌باشند. اما خشکسالی در استان‌های شرقی و جنوب شرق حاکم است. استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، سمنان، قم، مرکزی، اصفهان، هرمزگان و بوشهر دارای ریزش‌های جوی کمی می‌باشند. مقدار ریزش جوی کمتر از ۳۰۰ میلیمتر در سال است و دارای خشکسالی موقت و پایدار می‌باشند. از سوی دیگر کویرهای ایران در ناحیه مرکزی و شرقی باعث می‌گردند مقدار ریزش‌های کم حاصل از نزولات جوی به شدت تبخیر گردد و در لایه‌ها و سفره‌های زیرزمینی ذخیره نگردد» (محمدی، ۱۳۸۷، صص ۷۶-۷۵).

موضوع مهم دیگر در رابطه با وابستگی ایران به منابع آب، منابع مشترک آب با همسایگان است. «ضریب وابستگی ایران به منابع آبی با سرچشمه بیرونی بین ۷ تا ۸ درصد است. اگرچه این رقم در بعد ملی چشمگیر نیست، ولی در بعد منطقه‌ای بسیار مهم و حساس است. برای نمونه، ضریب وابستگی سیستان به هیرمند کمابیش ۱۰۰

درصد، منطقه مغان در کنار رودخانه ارس نزدیک به ۸۰ درصد و منطقه سرخس نزدیک به ۹۰ درصد است. این منابع، امکانات به نسبت چشمگیری از نظر ظرفیت تولید اقتصادی و اسکان جمعیت در سطح ملی فراهم می‌کنند که به علت مرزی بودن، آثار استراتژیک مهمی نیز بر امنیت ملی کشور دارند» (ساری‌صراف، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰). به علاوه، نزدیک به ۲۲ درصد از مرزهای ایران را ۲۶ رودخانه کوچک و بزرگ در بر می‌گیرد و از این رو ایران به همه کشورهای همسایه دارای مرز رودخانه‌ای است. با نگرشی به موقعیت ژئوپلیتیکی و نیز وضع حوزه‌های آبریز و رودخانه‌های مرزی کشورمان در می‌یابیم که بسیاری از مناطق صنعتی-کشاورزی به خصوص مناطق ژئواستراتژیک از چگونگی بهره‌برداری از منابع آبی مشترک متأثر است. اهمیت این منابع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در سال ۱۳۷۳، ۷/۹ درصد از جمعیت کشور از منابع آبی مشترک بهره می‌برده‌اند. و این رقم در سال ۱۴۰۰ به حدود ۳۷ درصد افزایش می‌یابد (ملکی، ۱۳۸۳، صص ۶۷-۶۶).

در ارتباط با عوامل و تهدیدات زیست‌محیطی انسانی می‌توان به افزایش جمعیت و مهاجرت، اقوام و اقلیت‌ها اشاره

کرد؛ هرچند «جمعیت رابطه تنگاتنگی با توسعه دارد و روند توسعه، جهت‌گیری و میزان آن، تابعی از کم و کیف جمعیت است. افزایش جمعیت، حجم نیازهای مادی و معنوی جامعه را افزایش می‌دهد» (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۵۴). اما این افزایش اگر همراه با برآورده کردن نیازها و خواسته‌هایشان به روش معقول و منطقی نباشد و انجام نگیرد، می‌تواند عامل تهدید وحدت و امنیت ملی برای کشورها باشد. هرچند «ازدیاد جمعیت فرایندی کاملاً عادی است؛ اما نقاط پرجمعیت جهان بیشتر به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد که از منابع غنی برخوردار نبوده و دچار مشکلات عدیده اقتصادی می‌باشند. نبود منابع، کمبود امکانات و فضای کافی در مناطق پر جمعیت جهان تنش‌هایی را به دنبال دارد که در بعضی از نقاط به درگیری‌های منطقه‌ای و قومی منتهی می‌شود» (شوفا، ۱۳۸۶، ص ۷۷). ابعاد و اثرات افزایش جمعیت و مهاجرت در ایران را می‌توان این‌گونه بیان کرد: ۱. مسایل ناشی از پخش جمعیت و پراکندگی جغرافیایی نامناسب آن؛ ۲. مسایل ناشی از پخش نامتعادل بنیادهای زیستی مانند آب، خاک، فضا، اقلیم، منابع طبیعی در طبیعت و فشار جمعیت بر آنها؛ ۳. کاهش جمعیت

روستایی و مسایل ناشی از آن؛ ۴. رشد نامتوازن هرم‌های جمعیتی؛ ۵. رشد تعداد بیکاران؛ ۶. افزایش جمعیت شهری و مسایل ناشی از آن (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۵۲). به علاوه فاصله طبقاتی شکل گرفته میان ثروتمندان و فقیران یکی دیگر از موضوعات ایجادکننده چالش میان جمعیت انسانی در ایران و جهان می‌باشد. پراکنش جغرافیایی اقوام در ایران به گونه‌ای است که عامل ایجاد چالش بوده است. برای مثال «از سال ۱۸۲۱ میلادی به بعد، یعنی هنگامی که کردها باعث وقوع یکی از جنگ‌های متعدد ایران - عثمانی شدند، مسئله کرد به یکی از مسایل ویژه بین دو کشور ایران و ترکیه تبدیل شده است. قیام کردهای ترکیه در سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۳۰- ۱۹۲۹ میلادی که ورود آنها به خاک ایران را در پی داشت و به اعتراض دولت ترکیه و تنش در روابط دو دولت انجامید، در نهایت منجر به بستن قرار داد سال ۱۹۳۲ و تعیین دقیق مرز دو کشور شد» (کریمی پور، ۱۳۸۰، صص ۲۰۲-۵۷). بنابراین در ارتباط با قوم کرد می‌توان بیان کرد که روند تأثیرگذاری سیستم مرکزی بر سیستم پیرامونی به گونه‌ای است که اگر حمایت سیستم بین‌المللی و قدرت جهانی و نیز پایداری

خودگردانی شمال عراق ادامه پیدا کند، سیستم پیرامونی تحول یافته و فشار بر سیستم‌های ملی را توسعه خواهد داد و آنها ناگزیر از اصلاح سیاست‌های قومی خود و پذیرش خواست کردها، خواهند شد. جدای از اینکه مدل خودمختاری کردستان عراق تأثیراتی ذهنی-عاطفی را بر کردهای ایران دارد، زمینه‌ای برای تقویت ناسیونالیسم کردی در مناطق کردنشین ایران محسوب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، صص ۳۳-۳۴). در مجموع فضای سرزمینی و انسانی ایران به دلیل نقش و عملکرد حایلی، معبری، هیدروکربنی، مذهبی، زبانی و قومی و به ویژه نقش آن در ایجاد تعادل‌های امنیتی، مورد توجه استراتژی‌های ژئوپلیتیک پیرامونی و قدرت‌های منطقه‌ای مؤثر در این حوزه‌هاست و از این نظر آسیب‌پذیری شگفت‌انگیزی پیدا کرده است» (کریمی‌پور، ۱۳۸۰، صص ۲۰۲-۵۷).

## فرجام

کشور ایران با برخورداری از منابع طبیعی و آب و هوای متنوع از جمله کشورهای جهان می‌باشد که دارای محیط زیست با ویژگی‌های بسیار است. با داشتن وسعت سرزمینی قابل توجه و دسترسی ارزان به انرژی و داشتن ذخایر فراوان، قابلیت

توسعه یافتن را دارد. عوامل و موضوعات تهدیدکننده زیست‌محیطی بر شمرده شده در این مقاله، نشان داد که چالش‌های زیست‌محیطی همواره به عنوان تهدیدکننده امنیت ملی ایران، می‌تواند مخاطراتی را ایجاد کنند. ایران از جمله کشورهای کم‌آب دنیاست و با کمبود آب و خشکسالی مواجه است. داشتن میانگین سالانه بارش ۲۵۰ میلی‌متر، آمار مطلوب و بهینه‌ای برای منابع زیرزمینی و پر آب شدن رودخانه‌ها و سدهای کشور نیست. در بخش انرژی ایران با داشتن منابع قابل توجه نفت و گاز از جمله کشورهای جهان است که بیشترین ذخایر را دارد. از آنجا که اقتصاد ایران به طور محسوسی وابسته به تولید و فروش نفت و گاز است، هرگونه نوسان در کاهش قیمت و یا چالش در عرضه و تقاضای این انرژی‌ها می‌تواند امنیت اقتصادی ایران را با چالش و مشکلات حادی مواجه کند. تا سال ۲۰۳۰ میلادی ذخایر نفت و گاز به عنوان سوخت اصلی در جهان مطرح می‌باشد، ولی استفاده از منابع درآمدی نفت و گاز در گرو داشتن روابط مناسب با دولت‌های مصرف‌کننده، استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته برای استخراج، حمل‌ونقل، مصرف و ... است. به علاوه از آنجا که انتشار گازهای گلخانه‌ای از



جمله تهدیداتی است که سوخت‌های فسیلی برای محیط زیست به وجود آورده است و استفاده بیش از حد از این سوخت‌ها، تهدیدات و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند که با توجه به قرار گرفتن ایران در منطقه خلیج فارس و محدوده خاورمیانه، اثرات گازهای گلخانه‌ای در بلندمدت برای امنیت محیطی ایران مخاطره‌آفرین خواهد شد.

به علاوه با توجه به اینکه بخش‌های مرکزی و جنوبی ایران دارای آب و هوای گرم و کویری می‌باشد، افزایش جمعیت و مهاجرت می‌تواند در تمرکز جمعیت در بخش‌های شمالی و غربی کشور و یا تجمع جمعیت در کلان‌شهرهای ایران باعث ایجاد چالش شود. زیرا جمعیت زیاد نیاز به انرژی، فضای جغرافیای مطلوب، برآورده شدن نیازها و ... دارد. برای مثال افزایش جمعیت و مهاجرت به شهر تهران باعث افزایش استفاده از اتومبیل شخصی شده است. بر اساس آمار داده شده ۷۵ تا ۸۰ درصد از آلودگی هوای تهران مربوط به خودروهاست. از پیامدهای آلودگی هوا می‌توان به کاهش میانگین ضریب هوشی کودکان، افزایش درصد سقط جنین، کاهش طول عمر اشاره کرد که پیامدهای منفی را بر روی جمعیت شهر تهران می‌گذارد. همچنین در رابطه با خشونت‌های

قومی، پراکندگی و کثرت اقوام در ایران باید گفت که کثرت قومی به عنوان یک واقعیت جامعه ایرانی، پیشینه تاریخی، همگرایی و واگرایی قومیت با نظام‌های وقت کشوری و منطقه‌ای، سابقه خودمختاری طلبی و یا تجربه‌های کوتاه‌مدت از کشور، نشان‌دهنده خاصیت انگیزه‌بخشی و ظرفیت حادثه‌خیزی عامل قومیت در مناسبات سیاسی- امنیتی و تحت تأثیر قرار دادن مرزهای جغرافیایی می‌باشد که بازیگران عرصه سیاست، از جمله قدرت‌ها از به کارگیری این ظرفیت در جهت منافع خود بهره برده‌اند. این نکته به ویژه در رابطه با قوم کرد در عراق و تأثیرات آنها بر همسایگان این کشور قابل تأمل می‌باشد. تا زمانی که مسئله فدرالیسم و خودمختاری در کردستان عراق گسترش داشته باشد، تأثیراتی به لحاظ ذهنی و سیاسی در کشورهای ایران، سوریه و ترکیه باقی خواهد گذاشت. بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق، تهدیدات زیست‌محیطی طبیعی و انسانی، در صورت نادیده گرفتن و بی‌توجهی، این تهدیدات باعث ایجاد چالش و عاملی در برهم زدن امنیت ملی ایران خواهند بود. این تهدیدات می‌توانند امنیت ملی و نظم عمومی جامعه را برهم زنند و کشور را با چالش مواجه کنند.



## تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران به دلیل مساعدت مالی تشکر می‌نمایند.

## منابع فارسی

۱. احمدی، عباس (بهار ۱۳۸۹)، «نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ: مطالعه موردی: تشیع در ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره اول.
۲. اطاعت، جواد و سیده زهرا موسوی (بهار ۱۳۹۰)، «رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، انتشارات سازمان جغرافیایی، سال هفتم، شماره اول.
۳. ببران، صدیقه (زمستان ۱۳۸۷)، «جایگاه قانونی حقایق‌های زیست‌محیطی»، *فصلنامه راهبرد*، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال هفدهم، شماره ۴۹.
۴. برادن، کتلین و فرد شلی (۱۳۸۳)، *ژئوپلیتیک فراگیر*، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ، چاپ اول.
۵. براون، لس‌تر (۱۳۸۷)، *طرح امید آینده و محیط زیست*، ترجمه حمید طراوتی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
۶. بلیک، ژانت و فرهاد جم (بهار ۱۳۸۸)، «دموکراسی زیست‌محیطی برای حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه راهبرد*، تهران
۷. بنی‌اسدزاده، مجتبی (تابستان ۱۳۸۸)، «تهدیدات زیست‌محیطی و امنیت ملی خلیج فارس»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال شانزدهم، شماره ۲.
۸. بوزان، بری و آلی، ویور (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۹. بهرام‌سلطانی، کامبیز (۱۳۸۷)، *محیط زیست (مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی)*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، جلد اول.
۱۰. پورمحمدی، محمدرضا و علی‌اکبر تقی‌پور (زمستان ۱۳۸۹)، «ارزیابی مکان‌یابی کاربری‌های آموزشی شهر شاهرود»، *فصلنامه فضای جغرافیایی*، سال دهم، شماره ۳۲.
۱۱. پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۶)، *فرهنگ جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات انتخاب، چاپ اول.
۱۲. پیشگاهی‌فرد، زهرا و دیگران (زمستان ۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال بیستم، شماره ۶۱.
۱۳. توال، فرانسوا (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک شیعه*، ترجمه حسن صدوق و نینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. «چشم‌انداز جهانگردی در سال ۲۰۲۰»، *ماهنامه مدیریت جهانگردی*، شماره ۱۷.

۱۵. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی، چاپ اول
۱۶. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
۱۷. حافظنیا، محمدرضا و دیگران (بهار ۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل نقش جمعیت در وزن ژئوپلیتیکی ایران»، *فصلنامه مدرس*، دوره سیزدهم، شماره اول
۱۸. حسینی، سیدنبی (مهر و آبان ۱۳۸۷)، «کشاورزی ایران در بستر جهانی شدن (چالش‌ها و فرصت‌ها)»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۵۳-۲۵۴
۱۹. دادس، کلاوس (۱۳۸۴)، *ژئوپلیتیک در جهان متغیر*، ترجمه زهرا احمدی‌پور با همکاری عطاءالله عبدی، تهران: انتشارات بلاغ دانش، چاپ اول
۲۰. روحانی، حسن (۱۳۹۰)، *امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهارم
۲۱. روحانی، حسن (تابستان ۱۳۸۹)، «درآمدی بر مؤلفه‌های اساسی محیطی در چشم‌انداز ایران»، *فصلنامه راهبرد*، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال نوزدهم، شماره ۵۵
۲۲. رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (زمستان ۱۳۹۱)، «بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط زیست در ایران: ضرورت‌ها و تنگناها»، *فصلنامه راهبرد*، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال بیست و یکم، شماره ۶۵
۲۳. ساری‌صراف، بهروز (مرداد و شهریور ۱۳۸۴)، «بحران آب و همکاری‌های بین‌المللی»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۱۶-۲۱۵
۲۴. شوتار، سوفی (۱۳۸۶)، *شناسخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی*، ترجمه سید حامد رضیئی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
۲۵. عبدی، عطاءالله و حسین مختاری هشی (دی ۱۳۸۴)، «نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای هیدروپلیتیک ایران»، *مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*
۲۶. عاقلی، لطفعلی؛ میکاییل ولایی‌یامچی و حسن جنگ‌آور (زمستان ۱۳۸۹)، «مطالعه اثر باز بودن اقتصاد بر تخریب زیست‌محیطی در ایران»، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۷
۲۷. قاسمی، فرهاد (تابستان ۱۳۸۹)، «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی، سال ششم، شماره دوم
۲۸. قراگوزلو، محمد (بهمن و اسفند ۱۳۸۳)، «ادغام آموزش توسعه پایدار در سیاست‌های آموزش ملی»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال نوزدهم، شماره ۵ و ۶
۲۹. کاویانی‌راد، مراد (تابستان ۱۳۸۹)، «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره دوم
۳۰. کریمی‌پور، یداله (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم
۳۱. کهیل، مایکل (۱۳۸۷)، *محیط زیست و سیاست اجتماعی*، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد

۳۹. ملکی، بهنام (بهمن و اسفند ۱۳۸۳)، «رودخانه هیرمند و چالش‌های پیش‌رو»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۱۰-۲۰۹
۴۰. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر با همکاری رحیم صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول
۴۱. میرحیدر، دره (دی ۱۳۸۴)، *سیاست و محیط زیست مورد آلودگی شهر تهران*، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۴۲. هاگت، پیتر (۱۳۷۹)، *جغرافیا ترکیبی نو*، (جلد اول)، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
۳۲. لشکری، محمد (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸)، «بحران مالی جهان و تأثیر آن بر اقتصاد ایران»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۶۰-۲۵۹
۳۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
- محمدی، حمیدرضا و دیگران (تابستان ۱۳۸۷)، «تحلیل جغرافیایی منابع تهدید ملی در ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره دوم
۳۵. محرابی، علیرضا و حجت مهکویی (آبان ۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک خلیج فارس و واگرایی کشورهای ساحلی»، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان
۳۶. مختاری‌هشی، حسین و مصطفی قادری حاجت (۱۳۸۷)، «هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵ میلادی، مطالعه موردی: حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره اول.
۳۷. مختاری‌هشی، حسین و حمیدرضا نصرتی (تابستان ۱۳۸۹)، «امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره دوم
۳۸. مخدوم، مجید (۱۳۸۷)، *محیط زیست*، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول

### منابع لاتین

43. Central Asia and the Caucasus, (2008), Guam: From a Taetical Alliance To Strategic Partnership, *Journal of Social and Political Studies*; Nazim Muzaffarli, 3-4.
44. Malcolm Wicks Mp, (2009), *Energy Security*; A National Challenge In a Changing World.
45. Taylor, J. P. (2001), *New Political Geographies Twixt Places and Flows*; The Students Companion to Geography, Oxford : Blackwell.
46. www.countrywach.com
47. [http://csis.org/files/media/isis/pubs/090130\\_evaluating\\_energy\\_security\\_implications.Pdf](http://csis.org/files/media/isis/pubs/090130_evaluating_energy_security_implications.Pdf)